

پرسش و پاسخ نماز در کلام اولیای ربانی

مؤلف: مهدی لک علی آبادی
ناشر: آخرین وصی
نوبت چاپ: سوم
تاریخ چاپ: ۱۳۸۹ ش
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

مقدمه

نگرانی نمازگزاران جهت حضور قلب در نماز بر هیچ اهل معرفتی پوشیده نیست تا آن جا که هر کس در هر رتبه از معنویت هم باشد، باز در این زمینه خود را کامل نمی‌داند و قبول دارد که حق نماز را جز اصحاب خاص حضرات معصومین علیهم‌السلام کسی نمی‌تواند به جا آورد و آن هم با عنایت خاصه آن امامان هم میسر است. و حال آن که نماز دارای دو بعد ظاهری و باطنی است که ظاهر و پیکر آن آداب و اعمالی است که باید رعایت شود که در غیر این صورت، نماز باطل است و باطن آن که روح و حقیقت نماز است با حضور قلب به دست می‌آید و بهره هر فرد در نماز به اندازه حضور قلب او است که امام خمینی رحمه الله آن عارف فرزانه چه زیبا فرموده است: «کلید گنجینه اعمال و باب الابواب همه سعادت، حضور قلب است که با آن، فتح باب سعادت بر انسان می‌شود و بدون آن جمیع عبادات از درجه اعتبار ساقط می‌گردد»

محتوای کتاب حاضر برگرفته از نظرات و مطالب زیبا و بلند اولیای ربانی می‌باشد که به صورت پرسش و پاسخ تنظیم شده است. پاسخ از آن کسانی است که خود «فی صلاتهم دائمون» هستند، همان‌ها که دست از حب دنیا شسته و دل از غیر او خالی

[صفحه ۱۲]

کرده‌اند، وضوی بندگی گرفته‌اند و بر سجاده عشق نشسته‌اند، قیام و قعودشان توحیدی است در قنوت در اوج عروج فریاد می‌زنند:

«ان الصلّاتی و نسکی و حیای و مماتی لله رب العالمین»

از این نماز غرض آن بود که من با تو
حدیث درد فراق تو باز نگذارم

و گرنه این چه نمازی بود که من بی‌تو
نشسته روی به محراب و دل به بازارم

در پایان از خداوند متعال خواستارم تا در سایه توجهات حضرت ولی عصر «عج» و عنایات ویژه و خاصه حضرتش همه ما نمازگزاران را به رعایت آداب قلبی و باطنی نماز موفق گردانیده و به فهم معارف عمیق این هدیه الهی رهنمون سازد.

و من الله التوفیق

شهر مقدس قم

مهدی لک علی آبادی

پاسخ هایی از عالمان و بزرگان وادی توحید

شهید ثانی

بهترین راه ایجاد حضور قلب در نماز در چه صورت انجام می گیرد

بهترین راه ایجاد حضور قلب و توجه خاطر مبارزه جدی با هجوم افکار پراکنده و آشفته است برای دفع هجوم این افکار و اوهم راهی جز دفع انگیزه‌های آنها نیست زیرا افکار پراکنده به انسان فشار می‌آورد و مانع توجه قلب می‌گردد لذا باید علل و اسباب آن را یافت و از بین برد. علل هجوم این افکار دو نوع است: ۱ - خارجی. ۲ - داخلی. عوامل خارجی تشننت افکار

امور خارجی مانند اصواتی است که به گوش می‌رسد و یا اشکالی که بر مردمک دیده ظاهر می‌شود. این دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها هنگامی که در معرض دید و شنید انسان قرار بگیرند افکار وی را به سوی خود جذب می‌کنند تا او را از چیزی به چیزی از شاخه‌ای به شاخه‌ای و از موضوعی به موضوع دیگری

سوق دهند و به اندیشیدن درباره آنها وا دارند آنگاه برخی از این موضوعات، موضوعات دیگری را تداعی می‌کنند و انسان را به افکار دور و دراز وا می‌دارند.

کسی که اراده قوی و همت عالی دارد در برابر هجوم این افکار چون کوه می‌ایستد و دستخوش اوهم نمی‌شود ولی بیشتر مردم که از چنین اراده و همتی محروم هستند دچار افکار و اوهم می‌شوند و نمی‌توانند نیروی متخیله خود را یک جا متمرکز کنند. آنها باید برای مبارزه با هجوم این افکار، اسباب و عوامل این افکار را از بین ببرند. مثلاً در خانه تاریک نماز بخوانند آنچه فکر انسان را مشغول می‌کند از جلو چشم خود دور کنند و یا در نزدیکی دیوار نماز بخوانند که دیدگاهشان بسیار محدود باشد و چیزی در معرض دید آنها نباشد.

عوامل داخلی تشننت افکار

علل داخلی تشننت افکار از علل خارجی آن شدیدتر است و لذا مبارزه با آن نیز سخت‌تر است زیرا کسی که افکارش دستخوش امواج سهمگین اقیانوس زندگی شده و رشته ارتباطش از هم گسسته و مرغ افکارش از شاخه‌ای به شاخه‌ای می‌پرد فرو بستن دیده، او را سودی نمی‌بخشد و افکارش در یک نقطه تمرکز پیدا نمی‌کند زیرا، که آنچه در دل جای گرفته برای پراکندگی خاطر کافی است.

برای مبارزه با عوامل داخلی تشننت افکار مناسب‌ترین راه این است که نمازگزار خود را به فهم معنای مطالب نماز وادار کند تا هر مطلبی که به زبان می‌راند معنای دقیق آن را بفهمد و روی آن تأمل کند و اندیشه خود را با آن مشغول سازد تا افکار پراکنده در دلش جای نگیرد.

برای تقویت این معنی شایسته است که پیش از تکبیرة الاحرام یاد آخرت کند و ایستادن در عرصه‌های محشر و موقف حساب و کتاب را به یاد آورد و ناله و فریاد اکبر و هول و وحشت همگانی روز رستاخیز را با خود بازگو کند و دلش را از مطالب دنیوی و افکار پراکنده خالی گرداند و در چنین حالی تکبیرة الاحرام گفته وارد نماز شود و اجازه ندهد که چیزی وارد قلب شود تا آن را مشغول سازد. این راه تحصیل آرامش دل و تسکین خاطر است.

اما اگر با این مسکن دلش آرام نشود لازم است از یک داروی موثرتری استفاده کند تا ریشه اضطراب‌ها را بخشکاند. و آن این است که در مورد مسایلی که قلب او را مشغول می‌کنند نیک بیندیشد پس از اندیشه کامل در خواهد یافت که همه آن چیزهایی که ذهن او را به خود متوجه می‌کند و او را از حضور قلب باز می‌دارد کارهایی به ظاهر مهمی است که برای او با اهمیت جلوه کرده است، ولی همه آنها در ارتباط با جهان فانی و خواسته‌های نفسانی او است، آنگاه نفس خویش را برای این خواسته‌ها و دلبستگی‌ها سرزنش و توبیخ کند تا رشته این پیوندها گسسته شود و ریشه این رابطه‌ها کنده گردد و بداند که هر چیزی که او را از نمازش باز می‌دارد و حضور قلب را از او باز می‌ستاید ضد دین و از لشکریان ابلیس است که ابلیس دشمن بزرگ بنی‌آدم است و باید او را از کشور تن بیرون کرد و هرگز وسوسه‌های او را در دل راه نداد.

آیا می‌شود انسان در حال نماز خواندن چشم‌های خود را ببندد

البته شایسته است که انسان مادامی که از راهی دیگر می‌تواند جلو تشتت افکار خود را بگیرد چشم فرو بستن را انتخاب نکند

بلکه در عین این که مراقب اندیشه خویش است با چشم باز نماز کند و چشمش را به مهر و سجاده‌اش بدوزد و از نگاه کردن به پیرامون خود بپرهیزد فقط در صورتی که با چشم باز از انجام وظیفه فرو ماند به ناچار دیده فرو بندد. زیرا نگاه کردن به محل سجده در حال قیام اگر چه مستحب است ولی در موردی که نگاه کردن موجب پراکندگی افکار شود آنچه به وسیله نگاه از دست می‌دهد از این کار مستحبی اهمیتش بیشتر است به ناچار از این وظیفه استجابی چشم ببوشد و دیدگان خود را فرو بندد.

حواس و ذهن نمازگزار باید چگونه باشد

هنگامی که برای نماز ایستاده و دیده به محل سجده دوخته است در ذهن خود مجسم کند که در برابر خدای قادر متعال ایستاده که او را می‌بیند و از آنچه در اعماق دلش می‌گذرد آگاه است اگر چه دیگران نیز او را می‌بینند. (ولی آنها از درون او آگاه نیستند و نمی‌توانند خیری را به سوی او جلب کنند یا ضرری را از او دفع کنند.)

در حال نماز چه معانی را در ذهن خود مجسم کنیم تا توجه ما به خداوند بیشتر باشد

نمازگزار باید این معنی را در ذهن خود مجسم کند که اگر روی دل را از خدای متعال بگرداند ممکن است خداوند نیز او را از رحمت و واسع‌اش محروم نماید و او را از مقام قرب خود دور سازد و توفیق حضور و عبادت را از او سلب کند.

آیت الحق سید بن طاووس

در حال نماز چه معانی را در ذهن خود مجسم کنیم تا توجه ما به خداوند بیشتر باشد

نمازگزار باید این معنی را در ذهن خود مجسم کند که اگر روی دل را از خدای متعال بگرداند ممکن است خداوند نیز او را از رحمت و اسعش محروم نماید و او را از مقام قرب خود دور سازد و توفیق حضور و عبادت را از او سلب کند.

در وقت ورود به نماز هنگامی که قامت می‌بندیم فکر ما در آن لحظه چگونه باشد

هنگامی که الله اکبر می‌گوییم و مشغول سخن گفتن با خدا می‌شویم در فکر فهم معانی این سخن باشی و بدانی که مشغول عبادت هستی نه صرف تلفظ با حال غفلت و بر طبق عادت، و نیز باید در گفتن آن (الله اکبر) صادق باشی. معنای این سخنم که گفتیم: باید تکبیر گفتن تو عبادت خداوند باشد یعنی اینکه خداوند جل جلاله در دل و در نزد عقلت به اندازه‌ای که خدا از شناخت ذات و صفات کاملش به تو عنایت فرموده بزرگ و عظیم باشد و در نتیجه مقصودت از این اعتقادی

که به عظمت خداوند داری و مرادت از الله اکبر گفتن تنها عبادت او باشد از آن لحاظ که او سزاوار عبادت است. و اما اینکه گفتیم: الله اکبر گفتن تو راست باشد مقصودم آن است که کردارت با گفتارت موافق باشد به گونه‌ای که وقتی الله اکبر می‌گوییم باطنت با ظاهرت سازگار باشد. یعنی چیزی بزرگتر از خداوند جل جلاله در قلب و عقل و نفس و نیت تو وجود نداشته و هیچ چیز نزد تو عزیزتر از او نبوده و هیچ چیز در آن حال تو را مشغول نسازد تا بتوانی آن را با حضور قلب ادا کنی.

آیا قلب را در نماز به پروردگار عالم متوجه کنیم کفایت می‌کند

اگر قلب به کلی اقبال و توجه به خداوند جل جلاله داشته باشد اعضا و جوارح نیز برای چیزی که آفریده شده‌اند یعنی عبادت و پرستش حضرت حق بر خداوند جل جلاله توجه و اقبال می‌کنند زیرا رابطه اعضای بدن با قلب مانند فرمانروا و فرمانبر

است و اگر نمازگزار با این حالت وارد نماز شود مانند روی آورندگان به خدا در نماز حاضر خواهد شد و تا هنگام پایان نماز بر حالت حضور قلب استمرار داشته به آرزوی خویش که خواندن نماز حقیقی است رسیده و کامیاب خواهد شد.

نمازگزاری با حالت کسالت نماز را بر خود سنگین می‌بیند و آنگاه به جا می‌آورد شما چه توصیه‌ای

می‌فرمایید

اگر نمازگزار در حال قیام برای انجام نماز مانند کسی است که نماز را بر خود سنگین می‌داند لازم است به قرآن مراجعه کند و حال کسان را که با حالت کسالت و اکراه و تنبلی به نماز می‌ایستند

[صفحه ۱۹]

بنگردد و با خود بیاندیشد که اگر پیش از حضور در این نماز شخص مورد احترام و علاقه‌اش به نزدش می‌آمد چگونه برای احترام او بی‌خاست و بدون احساس تنبلی و سنگینی به او توجه و اقبال می‌نمود. پس در این صورت باید بدانند که خداوند جل و جلاله محققاً در نزد او، از بنده‌ای از بندگانش پست‌تر است و چه خطر و زیان هولناکی از این بدتر!

شایسته است بنده وقتی تکبیر رکوع را می‌گوید حالش چگونه باشد

شایسته است که بنده وقتی تکبیر رکوع را می‌گوید با حالت ذلت و خاکساری و خضوع رکوع نموده و حضور قلب داشته و نیتش این باشد که در رکوع خداوندی را که مالک دنیا و آخرت او است عبادت می‌نماید و در نتیجه در حال ذلت و بندگی، با جلال کامل الهی روبرو شود و چه نیکو گفته است که: هر گاه کسی را که دوستش می‌داری (و در پیش تو) عزیز و سرفراز بود و تو برای او ذلت و خاکساری نمودی پس بر وصل او بدروید گفته و با وی خداحافظی بنما.

اگر کسی در سجده نماز توجه قلبی نداشته باشد احوالش چگونه است

اگر از روی عادت و تنها با مراعات آداب ظاهر سجده، بدون به یادآوردن عبادت مولای خویش، بدون حضور قلب در پیشگاه او سجده به جا آورد، مانند کسی خواهد بود که در سجده‌اش بازی نموده و یا از مالک و معبود خویش روی گردانده یا او را استهزاء و ریشخند کرده است.

[صفحه ۲۰]

حکیم متاله فیض کاشانی

آیا در آیات قرآن شرط بودن خشوع و حضور قلب در نماز ذکر شده است

بدان که ادله شرط بودن خشوع و حضور قلب در آیات و احادیث بسیار است از جمله آنها فرموده خداوند متعال است که: «اقم الصلاة لذكركي» [۱] نماز را برای یاد من به پا دار. فعل امر «اقم» ظاهراً برای وجوب است و غفلت ضد ذکر و یاد می‌باشد لذا کسی که در همه نمازش غافل و بی‌توجه است چگونه ممکن است نماز را برای ذکر و یاد خداوند بپا داشته باشد و نیز قول خداوند که می‌فرماید:

«و لا تكن من الغالين» [۲] و از غافلان مباش مبنی بر نهی بوده و ظاهر آن دلالت بر تحریم دارد و نیز آیه: «حتي تعلموا ما تقولون» [۳] تا بدانید که در نماز چه می‌گویید بیانگر علت نهی مستان از ورود به نماز است و همین علت در انسان غافلی که غرق در مقاصد و وسوسه‌های خود و افکار دنیوی

[صفحه ۲۱]

می‌باشد نیز شایع و ثابت است.

[۱] سوره طه، آیه ۱۴.

[۲] سوره اعراف، آیه ۲۰۵.

[۳] سوره نساء، آیه ۴۳.

لطفاً تعدادی از احادیثی که درباره حضور قلب در نماز از پیامبر اکرم آمده است را بیان فرمایید

پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: «انما الصلاة تمسكن و تواضع» [۱] جز این نیست که نماز اظهار ذلت و فروتنی است.

و نیز از جمله ادله حضور قلب قول آن حضرت است که فرمود: کسی که نمازش او را از فحشا و منکر و گناه باز ندارد آن نماز جز دوری از خداوند، چیزی نصیب او نمی‌سازد و روشن است که نماز شخص غافل مانع از انجام معصیت و فحشا و منکر نیست و نیز فرموده است: چه بسا نمازگزاری که بهره او از نمازش جز رنج و تعب نیست و مقصود آن حضرت نمازگزار است که غافل و بی‌توجه است و نیز فرموده است: برای بنده از نمازش جز آنچه را فهمیده بهره‌ای نیست. [۲].

[۱] مسند احمد، ج ۴، ص ۱۶۷، سنت ترمذی، ج ۲، ص ۱۷۵.

[۲] مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۶۴، به نقل از عوالي اللئالی.

چرا موضوع حضور قلب در بین عبادات تا این اندازه در باب نماز تاکید و توجه شده است

همان گونه که در اخبار و احادیث آمده نمازگزار در حال نماز با خدا راز و نیاز می‌کند و سخنی که با غفلت گفته شود بی‌تردید راز و نیاز نیست. توضیح این که اگر فی المثل زکات در حالت غفلت ادا شود صرف ادای آن مخالفت با هوای نفس و تحمل آن بر نفس گران و سخت است. همچنین روزه نیروهای آدمی را مقهور

می‌کند و هوس‌ها را که ابرار دشمن خدا شیطان است در هم می‌شکند از این رو بعید نیست که در صورت غفلت نیز مقصود شارع از انجام آنها به دست آمده باشد.

به همین گونه است حج که اعمال آن سخت و طاقت فرسا است و مجاهداتی لازم دارد که مستلزم تحمل درد و رنج است خواه انسان حضور قلب داشته باشد یا نداشته باشد لیکن در نماز چیزی جز ذکر قرائت، رکوع، سجود، برخاستن و نشستن وجود ندارد.

اما ذکر که گفتگو و راز و نیاز با خدا است یا مقصود از آن خطاب و مناجات است و یا ادای حروف و اصوات، تا زبان در عمل آزمایش شود همچنان که در روزه معده و شهوت آزمایش می‌شوند و بدن در سختیهای حج، و قلب در مشقت پرداخت زکات مال که معشوق مردم است مورد امتحان قرار می‌گیرد و اما حرکت دادن زبان به بیهوده‌گویی برای عاقل خیلی آسان است از حیث این که عمل است و آزمایش نیست. بلکه مقصود از ذکر حروفی است که نطق و گویش را تشکیل می‌دهند و آنها زمانی نطق و گویش به شمار می‌آیند که آنچه در ضمیر آدمی است بیان کنند و زمانی می‌توانند بیانگر ضمیر باشند که حضور قلب وجود داشته باشد.

و اگر دل در گفتن «اهدنا الصراط المستقیم» غافل باشد چگونه می‌توان آن را توجه به هدایت الهی دانست و چنانچه قصد تضرع و دعا نداشته باشد حرکت دادن زبان در حال غفلت برای او چه

زحمتی دارد به ویژه که به آن عادت کرده باشد. اینها که گفته شد در مورد اذکار بود حتی اگر کسی سوگند یاد کند که من شکر فلانی را به جا می‌آورم و او را خواهم ستود و از او حاجتی خواهم خواست و سپس آنچه را که برای آنها سوگند خورده در خواب بر زبان او جاری شود ندمه او از این سوگند فارغ نشده است. همچنین اگر آنچه برای آن سوگند یاد کرده در تاریکی بگوید و آن شخص حاضر باشد لیکن او نداند که وی حاضر است و او را نبیند باز از عهده سوگند بیرون نیامده است، زیرا تا زمانی که او در قلبش حضور نیافته سخنان وی خطاب به او نیست و گفتگوی با وی به حساب نمی‌آید و اگر آن کلمات را در روز روشن به زبان آورد و آن شخص نیز حاضر باشد لیکن وی به سبب فرو رفتن در افکار و خیالات از حضور او غافل بوده و در موقع گفتن آن کلمات قصد خطاب به او را نداشته باشد، در این صورت نیز به سوگند خود وفا نکرده است.

بی‌شک هدف از قرائت و ذکر، حمد و ثنای خداوند و دعا و تضرع به درگاه خدا است که در این هنگام مخاطب وی می‌باشد و در حالی که قلب او را حجاب غفلت است، نه او را به چشم می‌بیند و نه به دل مشاهده می‌کند، بلکه او به کلی از مخاطب خود غافل می‌باشد و تنها زبان او به حکم عادت در جنبش است و این حالت به کلی از مقصود شارع به دور است، چه خداوند نماز را برای زودن زنگار دلها و تجدید ذکر پروردگار و تحکیم ریشه‌های ایمان در قلوب قرار داده است، به طور خلاصه این ویژگی را در نطق و متمایز بودن آن از فعل را نمی‌توان انکار کرد.

آیا حضور قلب شرط صحت نماز است

چنانچه حضور قلب شرط صحت نماز دانسته شود و با فقدان آن به بطلان نماز حکم گردد، با اجماع فقیهان مخالفت است. چون آنها حضور قلب را جز به هنگام گفتن تکبیرة الاحرام شرط ندانسته‌اند.

پاسخ این است همان گونه که در جای دیگر گفته شده فقیهان در باطن مردم تصرف نمی‌کنند و بر آنچه در دل‌ها و طریق آخرت است نظر ندارند بلکه ظواهر احکام را بر ظاهر اعمال و جوارح حمل می‌کنند. همان طور که ظواهر اعمال از نظر حاکم برای سقوط قتل یا تعزیر کافی است اما حضور قلب در نماز چیزی است که در آخرت سود می‌رساند از این رو از حدود فقه خارج است.

غزالي مي‌گويد: حق اين است که در مورد مشروط بودن صحت نماز به حضور قلب به ادله شرعي مراجعه کنيم که آيا آيات و اخبار نمايانگر وجود اين شرط است. در تکاليف ظاهري فتوا بايد در حدي باشد که همه مردم بتوانند آن را انجام دهند و ممکن نيست بر مردم شرط کرد که در همه نمازهاي خود حضور قلب داشته باشند، زيرا جميع مردم جز تعداد اندکي از انجام آن ناتوانند. بنا بر اين چون نمي‌توان آن را شرطي فراگير قرار داد ناگزير حضور قلب را تا آن حد که بتوان اين نام را بدان اطلاق کرد هر چند در يک لحظه تحقق يابد، شرط قرار داده‌اند و سزاوارترين لحظه را براي آن زمان گفتن تکبيره الاحرام دانسته‌اند از اين رو در اجراي اين تکليف به همين مقدار بسنده کرده‌ايم.

[صفحه ۲۵]

با اين همه اميدواريم حال کسي که در همه نمازش غافل و بي‌توجه است مانند حال کسي نباشد که نماز را به کلي ترک کرده است، زيرا او به ظاهر نسبت به انجام دادن عمل اقدام کرده و هر چند در يک لحظه دل را براي آن حاضر ساخته است. آن کسي که از روي فراموشي بي‌وضو نماز خوانده اگر چه نمازش در پيشگاه خداوند باطل است، ليکن به اندازه عملي که انجام داده و به قدر قصور و عذرش پاداشي به او داده مي‌شود. از اين رو هر گاه موجبات بيم و اميد تعارض پيدا کند و کار دشوار و خطرناک گردد، مي‌توان راه احتياط را در پيش گرفت و يا طريق سهلي را اختيار کرد با اين حال نمي‌توان با فقيهان که به صحت نماز در حال غفلت فتوا داده‌اند، مخالفت کرد. زيرا چنان که پيش از اين بيان شد اين از ضرورت‌هاي فتواست اما کسي که اسرار نماز را دريافته است مي‌داند که غفلت ضد آن است.

لطفا معانی باطنی که نماز به آنها کامل می‌شود را نام ببرید

تعبيرهاي بسياري از معاني باطني شده است ليکن مي‌توان آنها را در شش عنوان گرد آورد که عبارتند از: حضور قلب [۱] ، تفهم [۲] ، تعظيم [۳] ، هيبت [۴] ، اميد [۵] و شرم [۶] .

[صفحه ۲۶]

[۱] حضور قلب: دل تابع دستورات است و جز در جايی که قصد می‌کني حضور ندارد.

[۲] تفهم: فهميدن معنای سخن.

[۳] تعظيم: بزرگ شمردن و بزرگداشت مخاطب، شناختن جلا و عظمت او.

[۴] هيبت: بيمي برخاسته از بزرگداشت مخاطب.

[۵] اميد: انتظار داشتن خير و خوبي از مخاطب.

[۶] شرم: احساس کوتاهي در عبادت و داشتن عجز از شناخت باري تعالي.

چه چیز باعث حضور قلب می‌شود

بدان که سبب حصول حضور قلب، اراده و همت است زيرا همواره دلت تابع عزم و تصميم تو است و جز در جايي که قصد می‌کني حضور نمی‌يابد و هر زمان که امري تو را به خود متوجه و مشغول کند، دل چه بخواهد و چه نخواهد حاضر می‌شود. زيرا قلب به همين گونه آفريده شده و بدان مجبول و مفطور است. دل اگر در نماز حاضر نشود به سبب آن نيست

که بیکار نشسته بلکه در یکی از امور دنیا که نمازگزار آن را وجهه همت خود قرار داده حضور پیدا کرده است. از این رو برای تحصیل حضور قلب راه و درمانی جز این نیست که نمازگزار همه همت و اراده‌اش را متوجه نماز خود کند.

چه زمانی نمازگزار همه همت و اراده‌اش را متوجه نماز می‌کند

زمانی عزم و اراده او متوجه نماز می‌شود که بداند وصول به هدف مطلوب (رسیدن به هدف نهایی) وابسته به این عمل است و هدف مطلوب، عبارت از ایمان و تصدیق به این است که آخرت بهتر و پایدارتر از دنیا است و نماز وسیله رسیدن به آن است و چون علم به حقارت دنیا و پستی آن بر این حقیقت افزوده گردد، از مجموع این دو حضور قلب در نماز حاصل می‌شود.

علت عدم حضور قلب در نماز چیست

اگر به هنگام راز و نیاز با شاه شاهان که ملک و ملکوت و هر نوع سود و زیان در دست او است حضور قلب نداری، باید یقین کنی که علت آن تنها ضعف ایمان است.

[صفحه ۲۷]

علامه مهدی نراقی

چگونه نماز بخوانیم

از بزرگی درباره چگونگی نمازش پرسیدند: گفت: چون وقت نماز در آید وضو می‌سازم و به جایی که نماز می‌گذارم می‌روم قدری می‌نشینم تا اعضا و جوارح آرام گیرد سپس به نماز می‌ایستم و کعبه را میان ابروان خود قرار می‌دهم و صراط را در زیر گام خود می‌بینم و بهشت را در طرف راست و جهنم را در طرف چپ و فرشته مرگ را در پشت سر به نظر می‌آورم و پندارم که این آخرین نماز من است پس میان امید و بیم قرار می‌گیرم و تکبیرة الاحرام می‌گویم و قرآن را شمرده قرائت می‌کنم و با فروتنی رکوع می‌نمایم و با خشوع به سجده می‌روم و بر ران چپ می‌نشینم و پشت قدم چپ را فرش می‌سازم و قدم راست را بر ابهام قرار می‌دهم و با اخلاص نماز را تمام می‌کنم و نمی‌دانم که نماز قبول شده یا نه.

مردم در نماز به چند دسته تقسیم می‌شوند

۱. غافلانی که نماز خویش به پایان می‌برند در حالی که یک لحظه حضور قلب ندارند.
۲. کسانی که در بخشی از نماز خود غفلت و در بخشی دیگر

حضور قلب دارند و اینها نیز به حسب کمی یا زیادی حضور قلب و غفلت و فزونی یکی بر دیگری مختلفند و مراتب آنها نامتناهی است.

۳. آنان که نماز خود را تمام می‌کنند و دلشان لحظه‌ای غایب نیست بلکه در همه نماز خود حضور قلب دارند و همه همت و اندیشه ایشان نماز است به طوری که آنچه نزد آنان می‌گذرد احساس نکنند، چنان که مولای ما امیر مومنان علیه‌السلام بیرون کشیدن پیکان از پای مبارک را احساس نکرد.

آنچه از اخبار مذکور استفاده می‌شود این است.....

آنچه از اخبار مذکور استفاده می‌شود این است که نماز شخص غافل پذیرفته نیست مگر به اندازه‌ای که حضور قلب داشته باشد و حال آنکه فقها حضور قلب را شرط صحت نماز نمی‌دانند مگر در نیت و تکبیرة الاحرام پس این دو مطلب چگونه سازگارند

فرق است میان قبولی عبادت با کفایت کردن در انجام تکلیف، زیرا مراد از قبولی در عبادت نزدیکی و قرب بنده است به خدا و حصول ثواب آخرت.

و از این رو آنچه کفایت می‌کند این است که بنده تکلیف را بجا آورد اگر چه ثوابی بر آن مترتب نباشد و او را به خدا نزدیک نکند و مردم در انجام تکلیف مختلفند زیرا تکلیف به قدر توانایی و طاقت است و بنابراین تکلیف کردن همه مردم به حضور قلب در همه نمازها ممکن نیست که این را جز اندکی قدرت ندارند. و چون شرط فراگرفتن حضور قلب در همه‌ی نماز بالضرورة ممکن نیست، لذا راهی نمی‌ماند مگر این شرط که کلمه حضور قلب را

گرچه در یک لحظه بتوان بر آن اطلاق کرد و سزاوارترین لحظه، لحظه تکبیر اول و توجه به آن است. پس تکلیف به این مقدار اقتضای و اکتفا می‌شود.

و با این وصف امیدواریم که حال نمازگزار غافل در همه نماز خود مثل کسی که نماز را به کلی ترک می‌کند نباشد، زیرا وی فی الجمله و ظاهراً قدم در راه انجام تکلیف نهاده و یک لحظه دل را حاضر کرده و چگونه چنین نباشد و حال آن که کسی که در فراموشی با حدث و بدون وضو نماز گزارد و نماز او نزد خدا باطل است و لیکن به حسب فعلش و به اندازه قصور و عذرش مزدی دارد.

راه تحصیل معانی باطنی نماز چگونه است

اول؛ معرفت خدا و شناختن جلال و عظمت او و انتساب همه امور به او و دانستن اینکه او به ذرات عالم و به اسرار و پنهانیهای بندگان عالم است، و لازم است که این معرفت یقینی باشد تا اثر بر آن مترتب شود زیرا آدمی تا به امری یقین حاصل نکند آماده و طالب آن نمی‌شود، و این معرفت گذرگاه است برای رسیدن به ایمان و شکی نیست که این معرفت موجب حصول معانی مذکور و اسباب پیدایش آنها است. زیرا مومن هنگام مناجات با پروردگار خود، البته حضور قلب دارد و می‌فهمد چه می‌گوید و چه می‌خواهد و او را بزرگ می‌دارد و از او بیمناک است و به او امید دارد و از تقصیر خود شرمنده است.

دوم؛ فراغت دل و خالی بودن آن از مشغله‌های دنیا. زیرا غفلت مؤمنی که به خدا و جلال و عظمت او یقین دارد و از معانی

مذکور در نماز خود مطلع است، سببی جز پریشانی فکر و پراکندگی خاطر و غیبت دل از مناجات و غفلت از نماز ندارد. هرگز چیزی مومن را از نماز غافل و مشغول نمی‌کند مگر اندیشه‌های فاسد و خاطره‌های پلید. پس دواي حضور قلب، دفع همه آن خاطره‌ها و خیالات باطل است که چیزی دفع نمی‌شود مگر به دفع سبب آن.

برای این که در نماز حضور قلب داشته باشیم چه باید کرد

آیت الله العظمی میرزا جواد آقا ملکی تبریزی؛ برای احضار قلب نزد نماز راهی جز این که همت را متوجه نماز سازی نیست، زیرا همواره همت انسان متوجه امری می‌شود که خیري در آن گمان داشته باشد و آن را مایه سعادت خود بداند. لذا حضور قلب در هنگام نماز تابع ایمان انسان به حقیقت نماز و این که نماز از همه اعمال بهتر و برتر است می‌باشد و آن کسی که به این حقیقت اعتقاد داشته باشد که نماز معراج او است، مسلماً هم و غمش جملگی نزد آن نماز خواهد بود و هیچ چیز دیگری نمی‌تواند او را از این عمل باز دارد و کسی که همتش در پی نماز باشد قلبش هم نزد نماز خواهد بود و هر اندازه که همت انسان بیشتر در پی نماز باشد غفلتش از غیر نماز بیشتر خواهد بود. بنابراین آن کس که ایمان به خدا داشته و معتقد باشد که آن که بهتر و پایدارتر است خداست و نماز معراج او به سوی حضرت ذوالجلال است و نیز قلباً به این حقایق ایمان داشته باشد ناگزیر قلب و همتش در پی نماز خواهد بود و ممکن نیست که چنین کسی از نماز غافل باشد.

[صفحه ۳۱]

انصاری همدانی

ذکر سجده انصاری همدانی چه بوده است

غالباً ذکرى که در سجده می‌گفتند: دو تا سبحان ربي الاعلی و بحمده بود و سه تا سبحان الله. البته گاهی هم یک حالت مخصوصی داشتند با صوت می‌خواندند و رکوع و سجده‌ها را طولانی‌تر می‌کردند و صلوات می‌فرستادند با و عجل فرجهم و لعن. و در قنوت هم دعای یا من اظهر الجمیل را می‌خواندند. وقتی آن دعا را می‌خواندند حالشان عجیب بود عجیب! [۱].

[۱] نقل از آقای اسلامی: سوخته.

انصاری همدانی بعد از کدام یک از نمازهایشان حالشان تغییر می‌کرد و آن حالتشان چگونه بود

دکتر علي انصاري: دو وضعیت بوده که ایشان کاملاً از حالت عادي خارج مي‌شد. يکي از زيارت و يکي بعد از نماز. به خصوص بعد از نماز مغرب و عشاء که ياراي حرف زدن نداشت و جلساتي هم که بعد از آن داشتند عموماً به سکوت مي‌گذشت و گاهي هم منقلب مي‌شدند قلبشان مي‌گرفت و حالت گريه به ایشان دست مي‌داد.

[صفحه ۳۲]

آقا در توصيه به شاگردانشان بر نماز شب و انجام فرايض و نوافل تاکيد بسيار زيادي داشتند و به بعضي از شاگردانشان مي‌فرمودند: اگر نوافلتان ترک شد قضاي آن را به جاي آوريد. [۱].

[۱] نقل از آقاي احمد انصاري، سوخته.

آيا در مورد نماز شب و نوافل مطلبي را توصيه مي‌فرمودند

آقاي احمد انصاري: آقا در توصيه به شاگردانش بر نماز شب و انجام فرايض و نوافل تاکيد بسيار زيادي داشتند، و به بعضي از شاگردانشان مي‌فرمودند: «اگر نوافلتان ترک شد، قضاي آن را به جا آوريد.»

[صفحه ۳۳]

حضرت امام خميني

لطفاً اين حديث شريف را توضيح دهيد

از حضرت رسول ختمي مرتبت صلي الله عليه و اله روايت است که: عبادت کن خدای تعالی را چنانچه گویا او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند.

از این حدیث شریف استفاده دو مرتبه از مراتب حضور قلب می‌شود یکی آن که سالک مشاهد جمال جمیل و مستغرق تجلیات حضرت محبوب باشد به طوری که جمیع مسامع (گوشها) قلب از دیگر موجودات بسته شده و چشم بصیرت به جمال پاک ذی الجلال گشوده گردیده و جز او چیزی مشاهده نکند بالجمله مشغول حاضر باشد و از حضور و محضر نیز غافل باشد.

و مرتبه دیگر که نازلتر از این مقام است آن است که خود را حاضر محضر ببیند و ادب حضور و محضر را ملحوظ دارد جناب رسول اکرم صلی الله علیه و اله فرماید: اگر می‌توانی از اهل مقام اول باشی عبادت خدا را آن طور به جا آور و الا از این معنا غافل مباش که تو در محضر ربوبیتی و البته محضر حق را ادبی است که غفلت از آن از مقام عبودیت دور است.

[صفحه ۳۴]

نظر حضرت عالی درباره حضور قلب در نماز چیست

قبولی نماز شرط قبولی سایر اعمال است و اگر نماز قبول نشود به اعمال دیگر اصلاً نظر نکنند و قبولی نماز به اقبال قلب است که اگر اقبال قلب در نماز نباشد از درجه اعتبار ساقط و لایق محضر حضرت حق نیست و مورد قبول نمی‌شود کلید گنجینه اعمال و باب الابواب همه سعادات حضور قلب است که با آن فتح باب سعادت بر انسان می‌شود و بدون آن جمیع عبادات از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

برای به دست آوردن حضور قلب در نماز چه باید کرد

اگر ایمان به گفته انبیا علیهم‌السلام آوردی و خود را برای تحصیل سعادت و سفر آخرت مهیا نمودی و لازم دانستی حضور قلب را که کلید گنج سعادت است تحصیل کنی راه تحصیل آن است که اولاً رفع موانع حضور قلب را نمایی و خارهای طریق را از سر راه سلوک ریشه کن کنی و پس از آن اقدام به خود آن کنی.

لطفاً موانع حضور قلب در عبادات را بیان فرمائید

مانع حضور قلب در عبادات تشنت خاطر و کثرت واردات قلبیه است و این گاهی از امور خارجه و طرق حواس ظاهره حاصل می‌شود مثل آن که گوش انسان در حال عبادت چیزی بشنود و خاطر به آن متعلق شده یا چشم انسان چیزی را ببیند و منشأ تشنت خاطر و تصرف متصرفه گردد یا سایر حواس انسان چیزی ادراک کند و از آن انتقالات خیالی حاصل شود. و گاهی تشنت خاطر، و مانع از حضور قلب از امور باطنه است و آن به

[صفحه ۳۵]

طریق کلی دو منشأ بزرگ دارد که عمده امور، به آن دو منشأ بر می‌گردد. یکی هرزه‌گردی و فرار بودن طایر خیال است، زیرا که خیال قوه‌ای است بسیار فرار که دائماً از شاخه‌ای به شاخه‌ای آویزد و از کنگره‌ای به کنگره‌ای پرواز کند و این مربوط به حب دنیا و توجه به امور دنیه و مال و منال دنیوی نیست بلکه فرار بودن خیال خود مصیبتی است که تارک دنیا نیز به آن مبتلا است.

از عوامل عدم حضور قلب در عبادات را هرزه‌گردی و فرار بودن خیال دانستید حال چگونه برای

رفع این مانع اقدام کنیم

طریق عمده رام نمودن آن عمل نمودن به خلاف است و آن چنان است که انسان در وقت نماز خود را مهیا کند که حفظ خیال در نماز کند و آن را حبس در عمل نماید و به مجرد این که بخواهد از چنگ انسان فرار کند آن را استرجاع نماید و در هر یک از حرکات و سکانات و اذکار و اعمال نماز ملتفت حال آن باشد و از حال آن تفتیش نماید و نگذارد سر خود باشد. و این در اول امر کاری صعب به نظر می آید ولی پس از مدتی عمل و دقت و علاج، حتماً رام می شود و ارتیاض پیدا می کند. شما متوقع نباشید که در اول امر بتوانید در تمام نماز حفظ طایر خیال کنید البته این امری است نشدنی و محال و شاید آنها که مدعی استحاله شدند، این توقع را داشتند ولی این امر باید با کمال تدریج و تأنی و صبر انجام بگیرد. ممکن است در ابتدای امر در عشر نماز یا کمتر آن حبس خیال

[صفحه ۳۶]

شده حضور قلب حاصل شود و کمکم انسان اگر در فکر باشد و خود را محتاج به آن ببیند، نتیجه بیشتر حاصل می شود و اندک اندک غلبه بر شیطان، (و غلبه بر) وهم و طایر خیال پیدا کند که در بیشتر نماز زمام اختیار آنها را در دست گیرد و هیچ گاه نباید انسان مأیوس شود که یأس سرچشمه همه سستی ها و ناتوانی ها است، و برق امید (امیدواری) انسان را به کمال سعادت خویش می رساند.

سرمایه سعادت عالم آخرت چیست

سرمایه سعادت عالم آخرت و وسیله زندگانی روزگارهای غیر متناهی نماز است.

چرا وقت نماز توجه بعضی افراد به امور دنیایی است و به مکان های دیگر معطوف است

زیرا آنان که حب مال و ریاست و شرف در دل آنها است در خواب نیز مطلوب خود را می بینند و در بیداری به فکر محبوب خود به سر می برند و مادامی که در اشتغال به دنیا بسر می برند با محبوب خود هم آغوشند و چون وقت نماز شود دل، حال فراغتی می یابد و فوراً متعلق به محبوب خود می شود. گویی تکبیرة الاحرام کلید در دکان یا رافع حجاب بین او و محبوب او است یک وقت به خود می آید که سلام نماز را گفته در صورتی که هیچ توجه به آن نداشته و همایش را با فکر دنیا هم آغوش بوده است.

چگونه دریابیم که نماز ما بویی از عبودیت داشته است

اگر نماز ما بویی از عبودیت داشت ثمره اش خاکساری و

[صفحه ۳۷]

تواضع و فروتنی می شود نه عجب و خود فروشی و کبر و افتخار که هر یک برای هلاکت و شقاوت انسان سببی مستقل و موجبی منفرد است.

یکی از عوامل عدم حضور قلب در نماز را حب دنیا بر شمردید برای مبارزه با آن چه دستور

می فرمایید

حب دنیا مبدأ و منشأ تمام مفسد است بر انسان عاقل علاقمند به سعادت خود لازم است این درخت را از دل ریشه کن کند و طریق علاج عملی، آن است که معامله به ضد کند. پس اگر به مال و منال علاقه دارد با بسط ید و صدقات واجبه و مستحبه ریشه آن را از دل بکند و یکی از نکات صدقات همین کم شدن علاقه به دنیا است و لهذا مستحب است که انسان چیزی را که دوست می دارد و مورد علاقه اش هست صدقه دهد چنانچه در کتاب کریم الهی می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ» [۱] و اگر علاقه به فخر و تقدم و ریاست و استنطالت دارد (برتری داشتن) اعمال ضد آن را بکند و دماغ نفس اماره را به خاک بمالد تا اصلاح شود.

و باید انسان بداند که دنیا طوری است که هر چه آن را بیشتر تعقیب کند و در صدد تحصیل آن بیشتر باشد علاقه اش به آن بیشتر می شود و تأسفش از فقدان آن روز افزون گردد.

[۱] سوره آل عمران، آیه ۹۲.

لطفا آنچه باعث حضور قلب در عبادات می شود را بیان فرمائید

آنچه باعث حضور قلب شود دو امر است: یکی فراغت وقت

[صفحه ۳۸]

و قلب؛ و دیگر فهماندن به قلب اهمیت عبادت را. و مقصود از فراغت وقت آن است که انسان در هر شبانه روز برای عبادت خود وقتی را معین کند که در آن وقت خود را موظف بداند فقط به عبادت و اشتغال (به کار) دیگری را برای خود در آن وقت قرار ندهد.

لطفا مراتب حضور قلب را بیان فرمائید

حضور قلب در عبادات، قلب و روح عبادات است و نورانیت و مراتب کمال آن بسته است به حضور قلب و مراتب آن. برای حضور قلب مراتبی است که بعضی از آن مراتب اختصاص دارد به اولیای حق و دست دیگران از وصول به شاهی (قله) آن کوتاه است. ولی بعضی مراتب آن برای سلسله رعیت نیز ممکن الحصول است و باید دانست که حضور قلب به طریق کلی منقسم شود به دو قسمت عمده: یکی حضور قلب در عبادت؛ و دیگر حضور قلب در معبود.

حضور قلب در عبادت به چه صورت است

برای آنان مراتبی است که عمده آن به دو مرتبه است:

يکي حضور در عبادت اجمالاً. آن چنان است که در عين اشتغال به عبادت، هر عبادتي باشد، چه از باب طهارات مثل وضو و غسل و چه از باب نماز و روزه و حج و ديگر امور انسان به طريق اجمال ملتفت باشد که ثنای معبود مي کند گر چه خود نمي داند که چه ثنایي مي کند و چه اسمي از اسماي حق را مي خواند. شيخ عارف کامل ما روي فدا (آيت الله شاه آبادي)، براي اين

[صفحه ۳۹]

نحو عبادت مثل مي زدند و آن اين که: يکي قصيده در مدح کسي بگويد و به طفلي که معنای آن را نمي فهمد بدهد که در محضر او بخواند و به طفل بفهماند که اين قصيده در مدح اين شخص است البته آن طفل که قصيده را مي خواند اجمالاً مي داند ثنایي ممدوح را مي کند گر چه کيفيت آن را نمي داند. ماها نيز که طفل ثناخوان حق هستيم و نمي دانيم که اين عبادات را چه اسراري است و هر يک از اين اوضاع الهيه با چه اسمي از اسما ارتباط دارد و به چه کيفيت ثنایي حق است اين قدر بايد ملتفت باشيم که هر يک از آنها ثنایي است از کامل مطلق و معبود و ممدوح علي الاطلاق که خود ذات مقدس در اين اوضاع، خود را ثنا فرموده و ما را امر فرموده که در پيشگاه مقدسش اين نحو ثنا کنيم. و ديگر از مراتب حضور قلب، حضور قلب در عبادت است تفصيلاً و اين به مرتبه کامله براي احدي ممکن نيست جز خلص اوليا و اهل معارف، ولي بعضي مراتب نازله آن ممکن است براي ديگران که اول مرتبه آن توجه به معاني الفاظ است در مثل نماز و دعا.

لطفا حضور قلب در معبود را توضيح دهيد

حضور قلب در معبود داراي مراتبي است که عمده آن سه مرتبه است: يکي حضور قلب در تجليات افعالي. ديگر حضور قلب در تجليات اسمائي و صفاتي. و سوم حضور قلب در تجليات ذاتي. و از براي هر يک چهار مرتبه است به طريق کلي: مرتبه علمي، مرتبه ايماني، مرتبه شهودي و مرتبه فناي.

[صفحه ۴۰]

سيد هاشم حداد قدس سره

هاشم حداد نمازش چگونه بود

حاج موسي محيي: سيد حداد نمازش با توجه و تاني کامل بود اگر کسي هنگام نماز صدایش را مي شنيد احساس مي کرد که به سوي پروردگار عروج کرده گويا ايشان از اول تا آخر نماز از قيام و رکوع و سجده و قنوت با پروردگارش مناجات مي کند و سخن مي گويد و اتصال کامل و بدون پرده با پروردگار دارد. صداي دلنشين و آرام بخش ايشان قلبها را پرواز مي داد و عقل و خرد را از خردمندان مي ربود و هنگامی که حال و اقبال و عروج به آن عالم ملکوتي دست مي داد اشک از چشمان اکثر نمازگزاران جاري مي شد و هيچ کدام نمي توانستند جلوي گريهشان را بگيرند. [۱].

هاشم حداد در قنوت نمازهای یومیه چه دعای می خواند

در قنوت نماز صبح اکثراً دعای «اللهم یا ذالعرش المجید الکریم و الملک القدیم». را می خواند و ظهر و شب دعای «یا من تحل به عقد المکاره» [۱] و چه بسا در قنوت نمازها دعای «اللهم یا من احتجب بشعاع

[صفحه ۴۱]

نوره عن نواظر خلقه» و دعای «یا من اظهر الجمیل» را می خواند. [۲] .

[۱] به نقل از شاگردان.

[۲] برگرفته از روح مجرد، ص ۵۰۵-۵۱۰.

حالت هاشم حداد در نماز چگونه بود

حجة الاسلام سید محمد محسن تهرانی: در نماز حالت ایشان حالت دیگری بود. به مهر نگاه می کرد ولی گویی نگاه نمی کرد سجده می کرد اما مثل اینکه شخص دیگری او را به سجده وا می داشت از خودش اختیار و اراده سجده نداشت شما در صحبت کردن با ایشان نیز چنین چیزی را می دیدید، به شما نگاه می کرد اما انگار شما را نمی دید، با شما صحبت می کرد شما را می شناخت ولی جای دیگری بود مثل این که انسان گاهی به یک جایی مات می شود. ایشان این حالت را در نماز چند برابر اوقات عادی داشت. آثار آن فنا همین مسئله است که انسان در صحبت با ایشان چنین مطلبی را حس می کرد.

شما نمازهاشم را چگونه دریافتید

آیت الله کمیلی: نماز ایشان واقعاً یک نماز تربیتی بود و برای کسانی که به ایشان ارادت داشتند مشهود بود که آن نماز آنها را پرواز می دهد یعنی حقیقت «الصلوة معراج المومن» را ما در ایشان می دیدیم. وقتی شروع به تلاوت حمد و سوره و اذکار می کردند مثل این بود که انسان وارد یک وادی از عشق شده و وقتی سلام نماز را می داد آدم پاک شدن را احساس می کرد، همان طور که در احادیث آمده نماز باید نمازی باشد که باعث شست و شوی انسان از گناه باشد.

[صفحه ۴۲]

آیا آقای حداد نمازی را زود به پایان می رساند

حاج موسی محیی می گوید: در یکی از شب های ماه مبارک رمضان که خدمت سید حداد جمع بودیم یکی از دوستان از سید خواست که نماز مغربش را به خاطر افطار کاهش دهد و برای این سخنش به این حدیث شریف استناد کرد: یا علی با آنها نماز بخوان همچون نماز ضعیفان، سید حداد اطاعت کردند و نماز را زود تمام کردند و من یقیناً می دانم که ایشان از همه ما در جمع تشنه تر بودند اما هنگام غروب خورشید، هم و غم ایشان فقط نماز و مناجات با معشوقشان بود. [۱] .

چه کنیم تا نماز را بهتر بخوانیم

آقا سید هاشم حداد رحمه الله: علاوه بر توجه سعی کنید خطورات نیاید. اگر خطوري آمد او را رد کنید.

چه وقت انسان خودش را در نماز نمی بیند

سید هاشم حداد: نه تنها در نماز بلکه در کلیه حالات انسان باید خودش را نبیند و این مطلب جز زمانی که انسان در حال فنا باشد به وجود نمی آید. [۱].

[۱] به نقل از آقای خلفزاده.

نماز شب هاشم حداد چگونه بود

آیت الله کمیلی: چند ساعت به اذان مانده از خواب بیدار می شد وضو می گرفت و به نماز می استاد: در نافله شب سوره های از قرآن را با صوت حزین و زیبا تلاوت می کردند.

[صفحه ۴۳]

تفاوت نماز هاشم حداد با نمازهای ما به چه نحو می باشد

حجت الاسلام سید محمد محسن تهرانی: آقای حداد اصلاً نمازش با نماز ما فرق داشت. نماز او یک نحو دیگری بود ما در نماز در مقام اخلاص و زدودن تخیلات و اوهام و تفکرات هستیم و باید همین طور هم باشد، گرچه مراتب دیگری نیز هست که مرحوم حداد اشاراتی هم داشتند. مثلاً به مرحوم مطهری فرمودند، که حتی به معانی هم نباید توجه کرد بلکه صرفاً توجه باید به حق باشد که این مسئله در ما با اراده و اهتمام و با اعمال به وجود می آید ولی در آقای حداد اصلاً این چیزها نبود وقتی ایشان الله اکبر می گفت به عالم دیگر می رفت دیگر تخیلی را از خودش دفع نمی کرد او نبود که دیگر بخواهد فکر کند، انگار اصلاً خودش نیست که دارد ایاک نعبد و ایاک نستعین می گوید توجهی به خود نداشت اصلاً اهتمامی به این نداشت که بخواهد جهت عبودیت را در خویش به ظهور برساند.

[صفحه ۴۴]

اگر کسی نماز بدون حضور قلب بخواند می تواند دوباره همان نماز را با حضور قلب اعاده کند

اگر کسی نماز بدون حضور قلب بخواند با حضور قلب اعاده کند، (دوباره بخواند) ممکن است بگوییم که این خلاف دستور است، خلاف سنت است. به جهت این که برای تکمیل نماز و جبران آن نافله را قرار داده اند و تشریح شده است. حالا اگر باز هم بخواند تحصیل کمال بکند فعل نوافل را تکرار می کند چه مانعی دارد؟ همهی آثار را دارد خصوصاً اگر مقید باشد که دیگر این نوافل با حضور قلب باشد. اگر کسی از ناحیهی حضور قلب و این جور چیزها می خواهد در نماز ترقی داشته باشد نوافلش را ادامه دهد. «علي صلاتهم دائمون» یعنی نوافل.

در اثر سجده زیاد علامت مهر گاهی بر روی پیشانی می ماند آیا این حالت ریا محسوب می شود

سجدهی طولانی از عباداتی است که کمر شیطان را می شکند. اما کسی که سجده طولانی انجام می دهد باید مواظب باشد که

[صفحه ۴۵]

مرتکب ریا نشود، بعد از سجده باید جلو آئینه بایستد و ببیند آیا جای مهر در پیشانی اش نقش بسته است یا نه. اگر نقش بسته بود مقداری بمالد تا به صفت رذیله مبتلا نشود. [۱].

[۱] در خلوت عارفان / ۱۰۶.

نماز برایم مانند جریمه دادن است چه کنم

(زیاد) بگوید: «و ربك الغني ذو الرحمة» [۱] و پروردگار تو بی نیاز و رحمتگر است. [۲].

[۱] انعام / ۱۳۳.

[۲] گوهرهای حکیمانه، ص ۱۷.

می‌خواهم در نماز تمام اذکار را درک کنم و بفهمم و آن نور را درک کنم و ببینم تا با آن نور حرکت کنم

با شرایط حضور قلب اعمالتان را انجام بدهید. در پاداش چه کار خواهند کرد به ما مربوط نیست. [۱].

[۱] به سوی محبوب، ص ۶۲.

اجمالاً بفرمائید حضور قلب چگونه حاصل می‌شود

اگر مقصود حضور قلب است با نوافل و عبادات مستحبه تحصیل می‌شود و از آن جمله تبدیل فرادی به جماعت است [۱] و تحصیل حضور قلب به این می‌شود که در اوقات غفلت به خودش فشار نیاورد و در اوقات حضور (قلب) اختیارات آن را از دست ندهد. [۲].

[صفحه ۴۶]

[۱] یعنی اگر در نماز حضور قلب نداشته با نافلة این فقدان را جبران کند و به این صورت که نوافل را با حضور قلب بخواند یا این که نمازش را به جماعت بخواند و این طور نباشد که نماز بدون حضور قلب را دوباره اعاده کند.
[۲] همان، ص ۶۲۲.

دستورالعملی جهت دفع صفات کریهه نفسانی و حضور قلب در نماز مرقوم فرمائید

اصلاح نماز مستلزم اصلاح ظاهر و باطن و دوری از منکران ظاهریه و باطنیه است و از راه‌های نماز توسل جدی در حال شروع نماز به حضرت ولی عصر «عج» است. [۱].

[۱] همان، ص ۶۴.

استاد بزرگوار، از محضر شما تقاضامندم که بیان بفرمایید بهترین ذکر یا عملی که انسان بعد از نمازهای یومیه انجام می‌دهد چیست

تمامی آنچه که از تعقیبات در کتاب‌های معروف و معتبر ذکر شد چه تعقیبات مشترک و چه تعقیبات مخصوص به هر نماز واجب چه به صورت مفصل و چه به صورت مختصر (نماز گزار می‌تواند) با در نظر گرفتن گنجایش وقت، آنها را به جا آورد. پس برترین آن صحیح و ثابت از آنهاست. [۱] و غیر آن را به امید مطلوب بودن به جا آورد و در میان ادعیه صحیح آنهایی را انتخاب کند که هر چه حضور قلب در آن بیشتر باشد یا با حال نماز گزار و نیازهای ویژه او سازگاری بیشتری داشته باشد. [۲].

[۱] یعنی، ادعیه معتبر باشد و آن دعایی که انتخاب می‌کند همیشه بخواند که این بهترین تعقیبات است.

[۲] همان، ص ۶۵.

مدتی است شیطان و هوای نفس در تزکیه باطن و لسان و کم خوری و کم گفتن و کم خوابیدن

اذیتم می‌کند برای رفع این معایب چه کنم

گویی سبقت را نماز شب خوانها ر بوده‌اند، مخفیانه برای تقلیل طعام هم هر چه را که قصد دارید بخورید اول جدا نمایید مثلاً در سینی جداگانه و قناعت هم نکنید آن وقت فقط از آن میل کنید این

[صفحه ۴۷]

را عمل نمایید تا معلوم گردد. [۱].

[۱] همان.

برای رفع تنبلی و کسالت در عبادات چه باید کرد

در اوقات نشاط مشغول به عبادت مستحبه شوید و در اوقات کسالت اقتصار بر واجبات نمایید. [۱].

[۱] همان، ص ۷۰، یعنی در اوقات کسالت به همان واجبات اکتفا کنید.

در مورد علاج «ریا» و «عجب» و «کبر» و «شهوت» و غیر آن چه باید کرد نظر شریف جنابعالی

چیست

همه رذائل از ضعف در شناخت خداوند سرچشمه می‌گیرد و آنها به وسیله انس با انس گیرنده انس گیرندگان در عبادت دفع و رفع می‌شوند اگر انسان بداند که خداوند متعال در همه حالات و زمانها از هر خوبی خوبتر است از انس با حق تعالی جدا نخواهد شد. [۱].

[۱] همان، ص ۶۹.

مدتی است که ایمان خود را ضعیف می‌بینم و گاهی نماز نمی‌خوانم و تمرکز در نماز خواندن کم

شده چه کار کنم

قوت ایمان از حیث نظری به دراست علم کلام است و از حیث غیر نظری عمل به معلومات است [۱] حفظ نماز به این است که در آن تمکن [۲] خود را منصرف نماید از خیالات دیگر و این انصراف را اختیاراً از دست ندهد و به غیر آن تمکن اعتنائی نکند. [۳]

[صفحه ۴۸]

[۱] یعنی برای تقویت ایمان نظری باید کتاب اعتقادات را مطالعه کند و برای تقویت ایمان عملی باید به آنچه می‌داند عمل کند.

[۲] پیدا شدن حال معنوی در انسان.

[۳] همان، ص ۷۵.

برای توفیق نماز شب چه کنیم

با قرائت آیه آخر سوره کهف و اهتمام به این امر.

در نماز شب و سحرخیزی قدری کسل هستم لطفاً راهنمایی فرمایید

کسالت در نماز شب به این رفع می‌شود که بنا بگذارید هر شبی که موفق به خواندن آن نشدید قضای آن را به جا بیاورید. در تعبدیات کوه کردن (کار دشوار طاقت فرسا) از ما نخواستند سخت‌ترینش نماز شب خواندن است که در حقیقت تغییر وقت خواب است نه اصل بی‌خوابی. بلکه نیم ساعت زودتر بخواب تا نیم ساعت زودتر بیدار شوی. آیا می‌ترسی اگر بیدار شوی دیگر خوابت نبرد و بمیری؟ اگر خواب بمانی در خواب هم ممکن است بمیری. [۱].

[۱] ۷۰۰ نکته، ۲ / ۱۷.

برای توفیق نماز شب، نماز صبح به جماعت اول وقت و توجه داشتن به ذات اقدس حضرت ربوبی

چه کنیم

در اوقات توفیق مسامحه نکنید در سایر اوقات موفق می‌شوید. [۱].

[۸] به سوی محبوب، ص ۷۷.

برادری دارم که به هیچ وجه نماز نمی‌خواند و رفیق ناباب دارد و هر چه او را موعظه می‌کنیم گوش نمی‌دهد لطفاً یک راه صریح نشان دهید

بعد از نماز جعفر طیار علیه‌السلام برای هدایتش دعا کنید و در سجده آخر برای این مقصد دعا نمایید و تباکی کنید (اشک بریزید). [۱]

[صفحه ۴۹]

[۱] همان، ص ۸۷.

برای این که در انجام فرمان الهی مخصوصاً با خشوع باشیم چه کنیم
در اول نماز توسل حقیقی به امام زمان «عج» کنید و عمل را با تمامیت مطلقه انجام دهید. [۱].

[۸] در خلوت عارفان، ص ۱۰۷.

برای تمرکز فکر در نماز دستورالعملی بفرمایید

در آنی که متوجه شوید اختیاراً منصرف نشوید. [۱]
زمانی که در نماز توجه داشتید از روی اختیار توجه خود را از دست ندهید که این کار در صورت مداومت به صورت عادت در خواهد آمد و شما به هنگام نماز به خودی خود متوجه خواهید بود.

[۱] همان، ص ۱۰۷.

چه کنیم تا نماز صبحمان قضا نشود چون گاهی نمازمان قضا می‌شود و ما ناراحت می‌شویم
کسی که باقی نماز هایش را در اول وقت بخواند خدا او را برای نماز صبح بیدار خواهد کرد. [۱].

[۱] همان، ص ۱۰۸.

برای ازدیاد محبت به حضرت ولی عصر چه کنیم
گناه نکنید و نماز اول وقت بخوانید.

[صفحه ۵۰]

امام خمینی در یکی از سفارشات اخلاقی خود فرمودند: «نمازهای یومیه را در اوقات پنج گانه
بخوانید»....

امام خمینی در یکی از سفارشات اخلاقی خود فرمودند: «نمازهای یومیه را در اوقات پنج گانه بخوانید» چگونه می‌توان
نمازها را طبق فرمایش ایشان در پنج وقت خواند اگر شما خود از جهت اخلاقی در این زمینه نظری دارید بفرمایید
نماز را در یک وقت مشترک خواندن مانعی ندارد ولی اگر کسی بخواهد همه را وقت فضیلت بخواند ظهر را که اول وقت
خواند عصر را بعد از سه ساعت و عشاء را بعد از یک ساعت و نیم از مغرب گذشته بخواند. [۱].

[۱] همان، ص ۱۰۸.

برای تقرب هر چه بیشتر به پروردگار چه کار باید کرد

ترک معصیت در اعتقادات و عملیات و نماز اول وقت کافی و وافی است برای وصول به مقامات عالیه اگر چه هزار سال
باشد. [۱].

[۱] همان، ص ۱۰۹.

برای حل مشکلات پیچیده چه کنیم

مداومت بر نماز جعفر طیار علیه‌السلام داشته باشید خداوند شما را موفق بدارد. [۱].

[۸] به نقل از شاگردان معظم له.

چه کنیم که لذت عبادت را درک کنیم

این احساس لذت در نماز یک سري مقدمات خارج از نماز دارد و یک سري مقدمات در خود نماز، آنچه که قبل از نماز و در خارج از نماز باید مورد ملاحظه شود و عمل شود این است که انسان گناه نکند، معصیت روح را مکدر می‌کند، نورانیت دل را می‌برد، و اما هنگام خود نماز انسان باید زنجیر و سیمی دور خود بکشد تا غیر خدا داخل نشود بایستی فکرش را از غیر خدا منصرف کند و توجهش به غیر خدا مشغول نشود البته اگر به صورت غیر اختیاری توجهش به جایی رفت که هیچ اما به محض التفات پیدا کردن بایستی قلبش را از غیر منصرف کند. [۱].

[صفحه ۵۱]

[۱] در محضر بزرگان، ج ۲، ص ۶۹.

چه کنیم تا در نماز حضور قلب داشته باشیم

وقتی وارد نماز می‌شوید هنگام خواندن حمد و سوره به معنای آن توجه کنید تا ارتباط حفظ شود. [۱].

[۱] برگی از دفتر آفتاب، ص ۱۳۲.

در هنگام نماز چگونه می‌توانیم حضور قلب را در خودمان به وجود بیاوریم

یکی از عوامل حضور قلب این است که در تمام بیست و چهار ساعت باید حواس باصره، سامعه، خود را کنترل کنیم زیرا برای تحصیل حضور قلب باید مقدماتی را فراهم کرد در طول روز گوش، چشم و همچنین سایر اعضاء و جوارح خود را کنترل کنیم. و این یکی از عوامل تحصیل حضور قلب می‌باشد. [۱].

[۱] همان، ص ۱۳۳.

مستدعی است جمله کوتاه و رسایی درباره نماز مرقوم فرمایید که نصب العین ما قرار گیرد

از بیانات عالی در فضیلت نماز در مرتبه علیا کلام معروف از معصوم علیه السلام است «الصلاة معراج المومن» برای کسانی که یقین به صدق این بیان نمایند و ادامه دهند طلب این مقام عالی را و از یقینات خارج نشوند.

آیا سوره «قل هو الله احد» را که خواندن آن بعد نماز فضیلت دارد می شود در ضمن نافله خواند

«قل هو الله احد» برای تعقیب است. در نمازهای مستحبی سوره شرط نیست. لذا نمازگزار می تواند هر سوره ای را که می خواهد در تعقیب بخواند و در ضمن نماز نافله بخواند. [۱].

[صفحه ۵۲]

[۱] به این صورت که بعد از نماز فریضه اگر خواست نافله را بخواند می تواند در نماز نافله از سوره هایی که در تعقیب نماز وارد شده استفاده نماید.

صلوات رسول اکرم در تشهد چگونه بوده است

ظاهراً به همان صورت برای آن حضرت جایز بوده است چه «اللهم صل علی و علی اهل بیتی» (خداوند، بر من و اهل بیتم درود فرست) و یا «اللهم صل علی محمد و آل محمد» خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست. [۱]

[۱] همان، ص ۲۱۴.

چرا ما مثل اهل سنت دست بسته در نماز نمی ایستیم

حضرت رسول صلی الله علیه و اله و ائمه علیهم السلام قطعاً در نماز چنین نمی کردند مالک نیز که یکی از ائمه چهارگانه اهل سنت است دست باز نماز می خواند.

پس چرا بقیه ی فرق اسلام دست بسته نماز می خوانند

هنگامی که اسرای ایرانی را نزد خلیفه ثانی بردند و دید آنها در برابر او دست بسته ایستاده اند گفت: این کار در برابر خدا سزاوارتر است لذا دستور داد در نماز تکتف کنند و دست بسته نماز بخوانند.

چه کار کنیم که در نماز حضور قلب داشته باشیم

اول وقت نماز با توجه به نماز، وارد شوید و هنگام خواندن حمد و سوره به معنای آن توجه داشته باشید تا این ارتباط حفظ شود.

چگونه در تمامی کارها و عبادات اخلاص را فراموش نکنیم

در عبادات و تمامی کارها اختیاراً غیر از خدا و غیر از یاد او را راه ندهید و همین راه منحصر در سعادت است. [۱].

[صفحه ۵۳]

[۱] به سوی محبوب، ص ۸۶.

برای دوری از ریا چه باید کرد

با عقیده کامل اکثر «حوقله» (یعنی زیاد بگوید، لا حول و لا قوة الا بالله العظیم).

گاهی اوقات در عبادات ریا می‌کنم و بعداً سخت رنج می‌برم، علاج آن چیست

علاج این است که ریا بکند ولی اگر در مقابل شاه و گدا است ریا برای شاه بکند، «فافهم ان كنت من اهله». [۱].

[۱] همان، ص ۷۰.

گاهی انسان تصمیم دارد اخلاص کامل را رعایت کند اما حداقل وسوسه‌های شیطانی همچون

شهرت‌طلبی، خوشنام شدن، و...

گاهی انسان تصمیم دارد اخلاص کامل را رعایت کند اما حداقل وسوسه‌های شیطانی همچون شهرت‌طلبی، خوشنام شدن، و... از ذهن انسان خطور می‌کند و در ذهنش می‌آید آیا این خطورات هم ریا محسوب می‌شود و عمل را بی‌ارزش می‌کند ریا در عبادات مبطل هم هست در غیر عبادات ریا اشکال ندارد. ولی خود ریا می‌تواند چاره و علاج ریا باشد به این صورت که با تأملات صحیح ریا را بالا ببرد. مثلاً انسان می‌خواهد پیش رئیس شهربانی احترام پیدا کند و توجه او را به خودش جلب کند پیش پاسبانی می‌رود و سعی می‌کند نظر او را جلب کند و سپس او را بین خود و رئیس شهربانی واسطه قرار می‌دهد در این جا انسان خوب است با خود بگوید این پاسبان که تنها واسطه است و اگر هم کاغذی بنویسد و وساطتی

کند باز دست آخر رئیس شهربانی باید پای ورقه را امضا کند پس خوب است مستقیماً نظر خود رئیس شهربانی را جلب کنم که مقام بالاتری است و اصلاً کار

[صفحه ۵۴]

خوب و عمل نیک را به خود رئیس شهربانی نشان دهم یعنی برای مقام بالاتر ریا کنم! همچنین اگر انسان عاقل باشد و توجه پیدا کند که مقامی بالاتر از رئیس شهربانی (مثل وزیر، نخست وزیر و رئیس جمهور) وجود دارد می‌گوید: خوب است کار خیر و عمل نیک خود را به وزیر یا به نخست وزیر و بالاخره به مقام بالاتر نشان دهم! یعنی همیشه انسان باید ریا را برای مرتبه اقوی انجام دهد اگر چنین باشد در واقع می‌توان گفت ریا علاج ریا می‌شود. بنابراین اگر در عبادات نیز نسبت به اقوی و بالاترین موجود یعنی خداوند ریا کنیم اشکال ندارد و علاج ریا می‌شود. در زمینه ریا در روایت آمده است که کسانی که در هنگام نماز به این سو و آن سو نگاه می‌کنند تا مردم آنها را تماشا کنند به صورت حمار محشور می‌شوند. واقعاً هم همین طور است آیا این حماریت نیست که آدم جلو وزیر و رئیس شهربانی به پاسبان نگاه کند؟ حماریت است آقا، ولی خوشمان می‌آید و با این حماریت ساخته‌ایم از طرفی اگر به ما حمار بگویند ناراحت می‌شویم و بدمان می‌آید ولی باید گفت کار شبانه روزی تو همین است چرا بدت می‌آید؟! [۱].

[۱] در محضر بزرگان، ص ۶۴.

بدعت در کجاست

بدعت در عبادات است آن هم چه عبادتی؟ عبادتی که موضوعش در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و اله باشد و حضرت انجام

[صفحه ۵۵]

ندهد و ما بخواهیم انجام دهیم یا ایشان عمل بکنند و ما انجام ندهیم. [۱].

[۱] گوهرهای حکیمانه، ص ۱۳۱.

دعای صبح بعد از نافله صبح خوانده شود یا بعد از فریضه صبح

از تعقیبات فریضه صبح به شمار می‌آید. [۱].

آیا می‌شود در نماز دعا کنم که خداوند به هر یک همسر صالح بدهد

بله می‌شود انسان در نماز دست به دعا بردارد و بگوید: «اللهم ارزقني زوجةً سالحةً» (خداوندا زن شایسته‌ای را روزی من کن) یا بگوید: «اللهم ارزقني ولداً باراً» (خداوندا فرزند نیکوکاری را روزی من کن.) [۱]

[۱] فریادگر توحید، ص ۲۱۳.

از دواج دختری سر نمی‌گیرد و به اصطلاح بختش باز نمی‌شود، از شما راهنمایی می‌خواهد

نماز جعفر طیار علیه‌السلام بخواند و پس از آن دعایی که در کتاب زاد المعاد مجلسی آمده که در این هنگام خوانده شود بخواند و در پی آن به سجده رود و تلاش کند که حتماً گریه کند گرچه به مقدار کم - و همین که چشمش را اشک گرفت حاجتش را از خدا بخواد و این عمل را تا زمانی که حاجتش روا شود انجام دهد و اگر نشد بداند که یا کم خوانده و یا با اعتقاد کامل خوانده است! [۱].

[صفحه ۵۶]

[۱] گوهرهای حکیمانه، ص ۱۶.

برای برآورده شدن حوائج، کدام یک از نمازهایی که برای حاجت ذکر کرده‌اند خوب است

نماز روز پنجشنبه را فراموش نکنید، این برای برآورده شدن حوائج خیلی مهم است.

حکمت تکرار نمازها در هر روز آن هم پنج نوبت چیست

شاید حکمت تکرار نماز، علاوه بر تثبیت، سیر باشد. به این نحو که هر نمازی از نماز قبلی بهتر و نماز قبلی زمینه‌ساز نماز بعدی باشد. [۱].

چگونه در نماز حضور قلب داشته باشیم

آسانترین روش برای حضور قلب به طوری که کسی نگوید نمی‌توان، این است که - البته بین نماز و غیر نماز فرقی نیست، حضور قلب همیشه باید باشد ولی در نماز اهمیتش بیشتر است - اگر متوجه خدا و نماز شد اختیاراً خود را از این توجهش منصرف نکند البته غفلتاً اشکالی ندارد و مثل دیگر موارد غفلت است. اگر انسان یک لحظه یاد خدا افتاد و قلب خودش را منصرف نکرد، کافی است. هر چه هست و نیست این اختیار کارگر است. این را یا باید به عمل بفهمد یا به برهان. (انسان در شبانه روز چقدر متوجه خدا می‌شود.) توجه به خدا هم از طریق برهان ممکن است و هم از راه تجربه و عمل ممکن است این را بفهمد. [۱].

[صفحه ۵۷]

[۸] فیضی از ورای سکوت / ۲۲۹.

از میان واجبات و مستحبات شرعی چه چیزی بیش از همه موجب سعادت ما می‌شود

باید ببینیم خدا بیشتر به چه چیزهایی تأکید کرده است از مهمترین آنها اهتمام به نماز است. شاید در هیچ بابی از ابواب فقه و دستورات شرع ما این همه دستور نداشته باشیم که در مورد نماز داریم. بله ماها برای تکامل خود دنبال چیزی که نه خدا گفته باشد نه پیغمبر و نه امام دنبال یک چنین چیزی می‌گردیم. چطور ممکن است چیزی بیشترین تأثیر را در سعادت انسان داشته باشد و آنها غفلت کرده باشند و نگفته باشند. و گذار کرده باشند به این که یک پیری مرشدی، قطبی بیاید بیان بکند، آیا چنین چیزی ممکن است؟! [۱].

[صفحه ۵۸]

[۸] فریادگر توحید / ۶۴.

حاج اسماعیل دولابی

اسرار وضو چیست

اسرار وضو این است با شستن صورت که مربوط به خداست وجه را از توجه به غیر خدا شستن، با شستن دست راست به اصحاب یمین رسیدگی کردن، با شستن دست چپ خواسته‌های دنیوی اصحاب شمال را برای این که مزاحم ما نشوند سیر کردن. با مسح سر به فرشتگان و با مسح پای راست به حیوانات حلال گوشت و گیاهان و مواد معدنی قابل خوردن و با مسح پای چپ به حیوانات حرام گوشت و گیاهان و مواد طبیعی سمی رسیدگی کردن.

چگونه وضو بگیریم

در وقت وضو چنان وضو بگیر که گویا او در حال وضو دادن توست. در حال شستن صورت، وجه خود را از غیر او بشوی و کدورات توجه به عالم کثرت و نگاه به گناهان و عیوب را از آن پاک کن، تا مناسب رو کردن و نظر نمودن به او شوی. در حال شستن دست راست تمام دست راستی‌ها و مومنین را شستشو بده و در

[صفحه ۵۹]

حال شستن دست چپ نظری هم به اهل دنیا و اشقیاء و ظالمین بکن و آنها را نیز شستشو بده تا وضعیت دنیویشان خوب شود و مزاحم مؤمنین نشوند. با مسح سر ملائکه و اهل آسمان را مورد لطف قرار بده و با مسح پاها و حوائج حیوانات و موجودات زمینی را برآورده ساز. هر قدر سعی کنی که وضوی تو خوب و با توجه باشد نماز تو هم با توجه خواهد شد. برای حضور قلب داشتن در نماز باید در وضو گرفتن دقت کرد.

اگر بخواهیم در نماز خیالات نداشته باشیم چه کنیم

اگر بخواهیم در نماز خیالات نداشته باشیم و مقبول باشد باید در وضو گرفتن دقت کنیم.

چرا مقداری از آب صورت خود را در هنگام وضو گرفتن بخوریم

هنگام وضو گرفتن وقتی صورتت را می‌شویی مقداری از آبی که از روی صورتت پایین می‌آید را به دهان فرو ببر و بخور. این آب، درونت را پاک می‌کند و فطرتت را شفاف می‌نماید.

چگونه نماز بخوانیم

سعی کن نماز که می‌خوانی دهانت از محبت پر باشد و با هر جمله‌ای که می‌خوانی، مثل کسی که آب در دهان دارد آن را قورت بدهی.

فلسفه چهار تکبیر و هفت تکبیر در نماز چیست

مستحب است در آغاز نماز ابتدا سه تکبیر گفته شود و چهارمین تکبیر را شخص به قصد تکبیرة الاحرام بگوید. نمازگزار با هر تکبیر یکی از نفسهایش را کنار می‌اندازد و با توجه به چهار نفس انسان بعد از تکبیر چهارم از او چیزی باقی نمی‌ماند.

[صفحه ۶۰]

و این خود خداست که از آن پس نماز را می‌خواند. و خود او است که در نماز حامد و مسیح خود است و هم او است که در نماز، خود را تعظیم و تکبیر و تهلیل می‌نماید. همین طور مستحب است ابتدای نماز شش تکبیر گفته شده و تکبیر هفتم به قصد تکبیرة الاحرام ادا شود. اگر نمازگزار چنین کند با این هفت تکبیر از هفت پرده دل یا هفت طبقه آسمان عبور کرده و به جایی می‌رسد که جز خدا احدی نیست.

سجده‌های نماز را چگونه می‌بینید

در نماز سجده اول موت از دنیا است، جلسه بین السجدتین برزخ است، سجده دوم موت از برزخ است، سر که برداشتی قیامت است لذا در تشهد به «لا اله الا الله» شهادت می‌دهی. سجده اول شکر نعمت‌های دنیاست و سجده دوم شکر نعمت‌های آخرت مثل پیامبر و امامان است.

چه عملی بعد از نماز پیشنهاد می‌فرماید

بعد از نمازها با خدا صحبت کن، بگو «خدایا تو غنی هستی و من فقیر، تو عزیز هستی و من ذلیل، تو مالک هستی و من مملوک و...» با خدا که صحبت کنی نطقت باز می‌شود و با خلق هم خوب صحبت خواهی کرد. اگر دیدی نماز و عبادتت سیرت نمی‌کند بعد از هر نماز بگو: «اللهم اهدني من عندك و افض علي من فضلك و انشر علي من رحمتك و انزل علي من برکاتك» خداوند مرا از جانب خویش هدایت فرما و از فضل خویش بر من افاضه نما و از رحمت خود بر من بگستران و از برکات خویش بر من نازل فرما.

[صفحه ۶۱]

لزوم حضور قلب در نماز

در این قسمت با استفاده از آیات و احادیث اثبات می‌کنیم که در همه عبادتها بخصوص نماز که ستون دین است و در رأس همه عبادتها قرار گرفته حضور قلب لازم است. خدای تبارک و تعالی درباره مومنان می‌فرماید: «انان کسانی هستند که در نمازهایشان خشوع کنندگانند».

و نیز می‌فرماید: «وای بر نمازگزاران آنان که از نماز خود غافلند».

خدای متعال در این آیه نماز گزارانی را که در نمازهای خود حضور قلب ندارند و دچار غفلت می‌شوند نکوهش می‌کند نه کسانی را که به کلی نماز را ترک می‌کنند. آن گاه خدای تبارک و تعالی در ستایش مومنان می‌فرماید: «انان که صدقه می‌دهند آنچه را که می‌دهند در حالی که دل‌هایشان ترسان است».

خداوند متعال ستایشگر کسانی است که در حین انجام عبادت دارای خوف و خشیت هستند و آن مستلزم حضور قلب در حد اعلی است.

[صفحه ۶۲]

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله می‌فرماید: «نماز میزان و الگو است هر کس شرایط و آداب آن را به طور شایسته رعایت کند، پاداش کامل دریافت می‌کند». و نیز در همین رابطه می‌فرماید: «خدای را پرستش کن آن سان که گویی او را می‌بینی اگر تو او را نمی‌بینی بی‌تردید او تو را می‌بیند». و درباره فضیلت تمام و کمال نماز می‌فرماید: «دو تن از امت من به نماز بر می‌خیزند و رکوع و سجود را یکنواخت انجام می‌دهند ولی میان این دو نماز از آسمان تا زمین فاصله است». و در همین رابطه می‌فرماید: «کسی که در نماز صورتش را به این طرف و آن طرف می‌چرخاند آیا نمی‌ترسد که خداوند صورتش را به شکل الاغ بگرداند». و نیز می‌فرماید: «هر کس دو رکعت نماز بگذارد که در آن چیزی از امور دنیا را از قلب خود خطور ندهد خداوند او را می‌آمرزد». «کسی که در یک نماز واجب قلب خود را از افکار پراکنده باز دارد و رکوع و سجود و خشوع آن را به طور کامل انجام دهد آنگاه خدای تبارک و تعالی را تقدیس و تمجید و ستایش کند و تا هنگام فرا رسیدن نماز دیگر کار بیهوده انجام ندهد خداوند برای او

[صفحه ۶۳]

پاداش حج و عمره می‌نویسد و او را از اهل علیین قرار می‌دهد». «نمازی هست که نصف آن پذیرفته می‌شود و یا یک سوم آن یا یک چهارم آن و یا یک پنجم آن پذیرفته می‌گردد و بالاخره نمازی هست که یک دهم آن پذیرفته می‌شود و برخی از اقسام نماز چون جامه کهنه در هم پیچیده شده به صورت نماز گزار زده می‌شود به درستی که از نماز سودی به تو نمی‌رسد جز به مقداری که توجه قلبی و اقبال درونی داشته باشی». امام باقر علیه‌السلام از رسول گرامی صلی الله علیه و اله نقل می‌کند که فرمود: «چون بنده مومنی به نماز برخیزد خداوند متعال تا پایان نمازش با نظر رحمت به سوی او نگاه می‌کند و رحمت الهی بر او سایه می‌افکند و از بالای سرش تا افق آسمان و فرشتگان در اطراف او تا افق آسمان گرد می‌آیند. خداوند فرشته‌ای را برای او موکل می‌سازد که بالای سرش ایستاده به او بگوید، ای نمازگزار! اگر بدانی که چه کسی به تو می‌نگرد و با چه کسی سخن می‌گویی هرگز از جای تکان نمی‌خوری. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: ترس و امید در دل کسی جمع نمی‌شود جز این که بهشت بر او واجب می‌گردد چون مشغول نماز شدی با تمام قلب متوجه خدای متعال باش هیچ بنده مومنی نیست که در نماز و دعایش به خدای تبارک و تعالی روی کند جز این که خداوند دل‌های مومنان را به سوی او باز می‌گرداند و او را با محبت آنها تایید می‌کند تا وارد بهشت گرداند.

[صفحه ۶۴]

ابوحمزہ ثمالی می‌گوید: امام زین‌العابدین علیه‌السلام را دیدم که مشغول نماز است عبا از دوش مبارکش افتاد آن را درست نکرد تا از نماز فارغ شد علت را از آن حضرت پرسیدم فرمود: وای بر تو آیا می‌دانی که در حضور چه کسی ایستاده بودم؟! نماز بنده‌ای پذیرفته نمی‌شود جز به مقدار اقبال و توجه قلبی او. گفتم جانم به فدای تو در این صورت ما هلاک شده‌ایم. فرمود: خیر خداوند نماز را به وسیله نافله‌ها تکمیل می‌گرداند. فضیل بن یسار از امام باقر و امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمودند:

بهره تو از نماز فقط به مقداری است که در آن اقبال و توجه داشته باشی اگر نمازگزار همه نماز را با خیالات بگذراند یا از آداب آن غفلت ورزد چنین نمازی در هم پیچیده شده به صورت صاحبش زده می‌شود.
زراره از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود:
«هنگامی که برای نماز برخاستی بر تو باد به توجه و حضور قلب، زیرا که نصیب تو از نماز فقط به مقدار اقبال قلبی توست. هرگز در نماز با دستت و سر و صورتت بازی نکن در دل خود حرف مزین و خمیازه مکش.
حلبی از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که فرمود:
چون به نماز پرداختی بر تو باد به خشوع و حضور قلب که خدای تعالی می‌فرماید: «آنان که در نمازهایشان خشوع کنندگانند».

[صفحه ۶۵]

و نیز از آن حضرت روایت است که فرمود:
«امام زین‌العابدین علیه‌السلام هنگامی که برای نماز بر می‌خاست رنگ شریفش دگرگون می‌شد، چون به سجده می‌رفت سرش را بلند نمی‌کرد مگر این که عرق می‌ریخت» و نیز می‌فرمود:
«هنگامی که آن حضرت به نماز می‌ایستاد همانند ساقه درختی بود که هیچ حرکتی نداشت جز به مقداری که باد حرکت دهد».

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:
نخستین چیزی که (در قیامت) از بنده محاسبه می‌شود، نماز است. اگر نماز پذیرفته شود، دیگر عبادت‌ها نیز پذیرفته می‌شود. اگر نماز در وقت خود به آسمان بالا رود به سوی صاحبش بر می‌گردد در حالی که سفید و نورانی است و می‌گوید: تو (آداب) مرا رعایت کردی خداوند تو مرا مراعات کند. و اگر در غیر وقت خود و بدون آداب و شرایط بالا رود به سوی صاحبش بر می‌گردد در حالی که تیره و تار است و می‌گوید: تو مرا تباه ساختی، خداوند تو را تباه سازد.
عیص بن قاسم از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که فرمود:
به خدا سوگند بر فردی پنجاه سال می‌گذرد که خداوند یک نماز او را قبول نمی‌کند آیا چه مصیبتی بالاتر از این؟ به خدا سوگند شما در میان همسایگان و آشنایان خود افرادی را می‌شناسید که اگر برای شما نماز بخوانند از آنها نمی‌پذیرید. زیرا آنها نماز را سبک می‌شمارند. خدای تبارک و تعالی جز عمل نیکو

[صفحه ۶۶]

را نمی‌پذیرد، پس چگونه ممکن است چیز بی‌ارزش را بپذیرد؟
از امام رضا علیه‌السلام روایت شده که امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود:
خوشا به حال کسی که پرستش و نیایش خود را برای خدا خالص گرداند و قلبش را به وسیله آنچه دیدگانش می‌بیند، مشغول نکند و یاد خدا را به وسیله آنچه گوشه‌هایش می‌شنود از یاد نبرد و دلش به خاطر آنچه به دیگران عطا شده اندوهگین نشود.
سفیان بن عیینه از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند تا شما بیاموزید که عمل نیکو چیست؟
منظور از عمل نیکو بسیاری حجم عمل نیست بلکه عمل درست‌تر منظور است و درستی آن با خوف و خشیت از خدا و نیت درست و اعمال نیکو است. سپس فرمود:
استمرار و به پایان رسانیدن یک عمل که با خلوص انجام شود از خود آن سخت‌تر است زیرا عمل خالص عملی است که از غیر خدای تبارک و تعالی انتظار سپاس و ستایش نداشته باشی. و نیت از خود برتر است و نیت جزئی از عمل است. آن‌گاه حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «بگو هر کسی طبق شیوه خود عمل می‌کند» و سپس فرمود: «منظور از شاکله (شیوه) همان نیت است».
ابان بن تغلب می‌گوید: در مزدلفه (شب عید قربان در مشعر الحرام) پشت سر امام صادق علیه‌السلام نماز می‌خواندم چون از نماز بپرداخت به من فرمود:
«ای ابان! کسی که نمازهای پنجگانه را با حدود و آدابش

[صفحه ۶۷]

بپا دارد و بر اوقاتش محافظت نماید خدا را در روز قیامت ملاقات می‌کند در حالی که پیمانی نزد خدا دارد که او را وارد بهشت سازد ولی اگر حدود و شرایط آن را رعایت نکند و بر اوقات آن مواظبت ننماید، خدا را ملاقات می‌کند در حالی که پیمانی پیش او ندارد، اگر بخواهد او را وارد دوزخ می‌سازد و اگر بخواهد او را می‌آمرزد.

حضرت صادق علیه‌السلام به عبدالله (بن ابی‌یعفور) فرمودند:

ای عبدالله وقتی که مشغول نماز می‌شوی مثل کسی که وداع کند با نماز و ترس آن دارد که دیگر به آن نرسد، نماز بخوان. پس از آن چشمت را بدوز به موضع سجودت. تو اگر بدانی کسی در راست و چپت هست، نمازت را نیکو بجا می‌آوری. بدان که تو پیش کسی ایستادی که او تو را می‌بیند و تو او را نمی‌بینی.

حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند:

همانا من دوست می‌دارم از شماها مرد مومنی را که وقتی در نماز واجبی ایستاد توجه قلبش به سوی خدای تعالی باشد و مشغول نکند قلبش را به کار دنیا. نیست بنده‌ای که در نمازش توجه کند به سوی خدا با قلبش، مگر آن که توجه کند خداوند به سوی او و قلوب مومنان را برای محبت کردن به او نرم کند.

از حضرت صادق علیه‌السلام مروی است که فرمود:

وقتی احرام بستنی در نماز اقبال کن بر آن، زیرا که وقتی اقبال نمودی خداوند به تو اقبال فرماید و اگر اعراض نمایی خداوند از تو اعراض کند. پس گاهی بالا نمی‌رود از نماز مگر ثلث یا ربع یا

[صفحه ۶۸]

سدس آن. به آن قدر که نمازگزار اقبال به نماز نموده و خداوند عطا نمی‌فرماید به غافل چیزی را. [۱].

از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت است که به ابوذر فرمودند:

دو رکعت متوسط با فکر، بهتر است از (به نماز) ایستادن یک شب در صورتی که قلب غافل باشد. [۲].

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود:

نمازی که قلب نمازگزار با بدنش حضور نداشته باشد مورد نظر و توجه خداوند نیست.

و نیز فرمود: (مورد قبول) نیست مگر با حضور قلب.

حضرت سجاد علیه‌السلام فرمود:

نماز بنده قبول نمی‌شود مگر به اندازه‌ای که حضور قلب داشته باشد.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

به خدا سوگند بر فردی پنجاه سال می‌گذرد و خداوند یک نماز او را قبول نمی‌کند آیا چه مصیبتی بالاتر از این است؟

از رسول اکرم صلی الله علیه و اله روایت شده که فرمود:

هنگامی که بنده مشغول نماز می‌شود، شیطان می‌آید و به او می‌گوید: به یاد آور فلان چیز را، یاد آور فلان را، تا اینکه

انسان متوجه نشود که چند رکعت خوانده است.

[صفحه ۶۹]

[۱] مستدرک الوسائل، کتاب الصلوة، ابواب افعال الصلوة، باب ۳، حدیث ۷.

[۲] بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۲.

اشعار علامه بحر العلوم درباره حضور قلب

مرحوم علامه سيد محمد مهدي طباطبائي معروف به بحر العلوم رحمه الله را درباره حضور قلب ابياتي است كه به خاطر لطافتشان عين آنها را ذكر کرده سپس ترجمه مي‌كنيم.

عليك بالحضور و الاقبال
في جملة الاقوال و الافعال

بر تو باد به حضور قلب و توجه به خدا در گفته‌ها و افعال نماز.

و الصدق في النية و الاحبات
فانها حقيقة الصلاة

و بر تو باد كه نيتي صادقانه و خشوعي بي‌رياء داشته باشي كه صداقت در نيت و خضوع حقيقت نماز است.

و ليس للعبد بها ما يقبل
الا الذي كان عليه يقبل

در نماز چيزي نيست كه از بنده پذيرفته شود مگر آن اعمايي كه با توجه قلبي به جا آورده شود.

و صل بالخضوع و التخشع
و كن اذا صليت كالمودع

نماز را با خضوع و خشوع بجا آور و مانند كسي بخوان كه با نماز خداحافظي مي‌كند.

و استعمل الوقار و السكينة
و استحضر المقاصد المكنونة

[صفحه ۷۰]

و با وقار و آرامش نماز بخوان و به هنگام نماز مقاصد دروني‌ات را در نظر بگير.

و خذ من الاكمام لب الثمرة
و اطلب من المعدن اصل الجوهرة

پوسته‌ها را انجام بده ولي از آنها مغز را انتخاب كن و از معدن اصل گوهر آن را دنبال كن.

ایاک من قول به تفند
و انت عبد، لهواک تعبد

بر حذر باش از گفته‌ای که در آن صادق نباشی که هوای نفست را بندگی کرده‌ای.

تلهج فی ایاک نستعین
و انت غیر الله تستعین

می‌گویی فقط از تو یاری می‌خواهیم در حالی که از غیر خدا یاری می‌جویی.

ینعی علی الباطن حسن ما علن
ما اقبیح القبیح فی زی الحسن!

نیکویی ظاهر از باطن زیبا خبر می‌دهد ولی چقدر زشت است باطن زشتی که ظاهرش زیبا باشد.

حسن له الباطن فوق الظاهر
و اعبدہ بالقلب التقی الطاهر

باطنت را برای خدا بیش از ظاهر نیکو کن و با قلبی پاک و با تقوا او را پرستش نما.

و تب الیه و انب و استغفر
و سدد الطاعة بالتفکر

به سوی او توبه و انابه کن و از او طلب مغفرت نما و طاعتت را با تفکر قوام بخش.

و قم قیام المائل الذلیل
ما بین ایدي الملك الجلیل

[صفحه ۷۱]

چون ایستادن بنده ذلیل در مقابل پادشاه قدرتمند بایست.

و اعلم اذا ما قلت ما تقول
و من تناجی و من المسؤول

و هنگامی که سخن می‌گویی بدان که چه می‌گویی و با چه کسی مناجات می‌کنی و از چه کسی درخواست می‌کنی و چه می‌خواهی.

ابوحامد و بعضي ديگر از علما (مرحوم فيض كاشاني) فرموده‌اند: مسايل باطني نماز كه حيات و روح نماز در آن خلاصه مي‌شود شش چيز است: حضور قلب، تفهم، تعظيم، هيبت، رجا و حيا.

بركات نماز اول وقت

از رسول اكرم صلي الله عليه و اله روايت شده كه نماز براي ميت در قبر به صورت شخص نوراني خوش سيما ظاهر مي‌شود انيس و مونس او در قبر مي‌شود و آتش جهنم را از او دفع مي‌كند و فرمود:
كسي كه نمازهاي پنجگانه را در موقع خود اقامه كند و ركوع و سجود نماز را كامل به جا آورد خدائي عزوجل پانزده خصلت به او عطا فرمايد:

سه خصلت در دنيا

- الف: عمر او را زياد كند.
- ب: مال و اموال او را زياد كند.
- ج: اولاد صالح او را زياد كند.

سه خصلت در موقع مرگ

- الف: از ترس او را ايمن دارد.
- ب: از هول مرگ ايمن دارد.

[صفحه ۷۲]

- ج: او را داخل بهشت گردانند.

سه خصلت در قبر

- الف: سوال نكير و منكر را بر او آسان كند.
- ب: قبر او را وسيع گردانند.
- ج: دري از درهاي بهشت به روي او گشوده شود.

سه خصلت در محشر

- الف: صورت او مثل ماه، نور مي‌دهد.

ب: نامه عملش را به دست راستش مي دهند.
ج: حساب را بر او آسان مي گرداند.

سه خصلت در موقع عبور از صراط

الف: خداوند از او راضي مي شود.
ب: به او سلام مي دهد.
ج: نظر رحمت به او مي فرماید: [۱].

[۱] ثمرات، ص ۴۰۸.

اهمیت به وقت فضیلت

برگشتن آفتاب به خاطر امیرالمؤمنین علی علیه السلام:
ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و اله، اسماء بنت عمیس، جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری، ابوذر غفاری، عبدالله بن عباس و جماعت بسیاری از صحابه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و اله گفتند که:
یک روز رسول خدا صلی الله علیه و اله، امیرالمؤمنین علیه السلام را به مهمی فرستاد. در آن روز رسول خدا صلی الله علیه و اله نماز عصر را خواند چون

[صفحه ۷۳]

امیرالمؤمنین علیه السلام برگشت قضایای کار مزبور را برای پیامبر صلی الله علیه و اله شرح می داد دفعه وحی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله را فرا گرفت. رسول خدا صلی الله علیه و اله تکیه بر امیرالمؤمنین علیه السلام زد و سر به زانوی او نهاد مدت وحی طولانی شد و آفتاب کاملاً غروب کرد چون رسول خدا صلی الله علیه و اله از غشیه‌ی وحی بیرون آمد علی علیه السلام را متغیر و ناراحت دید فرمود: یا علی چه رسیده تو را؟
عرض کرد: خیر است یا رسول الله، نماز عصر را نخوانده بودم که بر شما وحی آمد و سر مبارک شما در آغوش من بود نخواستم که سر مبارک شما را به زمین بگذارم لذا به اشارت نماز کردم بدین جهت دلم خوش نیست. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:
دل‌تنگ نباش که من دعا می‌کنم تا خدای تعالی آفتاب را برای نماز تو برگرداند و تو نماز را در وقت و با شرایط و ارکان بگزار. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و اله دست به دعا برداشت و عرض کرد:
بار خدایا! تو می‌دانی که علی علیه السلام در طاعت تو و رسول تو بود.
بار خدایا! آفتاب را برگردان تا نمازش را بخواند روایان خبر گفتند به حق آن خدایی که محمد صلی الله علیه و اله را مبعوث به رسالت نمود که ما آفتاب را دیدیم که بر در و دیوار تابیده بود و امیرالمؤمنین علیه السلام نماز عصر را به وقت خواند چون سلام نمازش را داد آفتاب دفعه فرو نشست [۱].
این قضیه در واقعه‌ی بنی‌نضیر در مسجد فضایح که پیامبر صلی الله علیه و اله شش شبانه روز در آنجا نماز گزارد اتفاق افتاد.

حکایاتی از اولیای خدا در خصوص نماز

توصیه‌های ناب

سه توصیه‌ی نورانی از حضرت آیت الله العظمی کوهستانی قدس سره؛
اواخر عمر گران بهای حضرت آیت الله العظمی کوهستانی قدس سره بود برای تجدید کارت معافیت تحصیلی از مشهد مقدس به بهشهر آمده بودم از آن جایی که عشق و شوق فراوان به زیارت آن روحانی وارسته داشتم خدمت ایشان شرفیاب شدم. گرچه چند سالی که در رستم کلاء در محضر استاد بزرگوار حضرت آیت الله العظمی ایازی (دام ظلّه العالی) بودم توفیق ملاقاتشان کراراً نصیب بنده می‌شد. و معظم له هم دیدارشان را بسیار سفارش می‌کرد. اما این دیدار آخر برای بنده و امثال بنده بزرگترین درس بود چون درسی بود همراه عمل. ایشان در عصر خودش عالمی بود با عمل. زندگی ساده خاص خود را داشت. وی متعددی بود مدام، یعنی در عبادت خستگی‌ناپذیر، در طهارت فردی زبان زد خاص و عام. در این سفر ملاقات (آقا جان) ممنوع بود چون پزشکان اجازه

ملاقات را نمی‌دادند تا این که به واسطه فرزندشان به خدمت آن انسان فرزانه رسیدم.
در بستر بیماری هم سیر و سلوک ویژه‌ای داشت از دیدنی‌های دنیا و از شنیدنی‌های دنیا دور بود. آنچه می‌دید و می‌شنید سرش الهی و همایش اخروی بود.

در این حال آنچه مشخص بود، زبان گویا در ذکر و به یاد محبوبش بود. گاهی که به آیات انذار و تخویف می‌رسید صدای ناله‌اش بلند می‌شد و سخت می‌گریست. در همان حال معنی و معنویت درخواست نصیحت و پندی کردم.

فرمود: سه چیز را در سر لوحه‌ی کارتان قرار دهید:

۱. همراه با قرآن باشید و از قرآن جدا نشوید.

۲. نماز شب را ترک نکنید.

۳. نماز را اول وقت بخوانید.

آن مرد الهی بعد فرمودند:

مواظب شیطان باشید که برای فریب دادن هر انسانی آماده است. فعلاً عمری را سپری کردم دیگر وقتی برای بقاء در دنیا برابم نمانده، آفتاب لب بام هستم. اثاثیه و توشه را جمع کرده‌ام و فقط منتظر قافله هستم که با کاروان آخرت همراه باشم. با این حال شیطان می‌خواهد مرا وسوسه نماید.

صدای گریه‌ی آن رادمرد توحید، بلند شد. درس را معظم له به تمام معنا فرمودند. دست آن عالم ربانی را بوسیدم و مرخص شدم.

اما چند روزی نگذشت که حوزه علمیه مشهد در ماتم و تشیع

جنازه‌ی آن عالم عامل عزادار، و حضرت ثامن الحجج علیه التحیات و الثناء میزبانی عزیز و جلیل القدر، از او پذیرایی کرد. (روانش شاد) [۱].

[۱] خاطره از یکی از استادان حوزه علمیه قم، حجت الاسلام و المسلمین سید عنایت الله دریاباری.

راضی نیستم طلبه این جا بماند نماز شب نخواند

این حقیر در سال ۱۳۷۹ در مجلس بزرگداشت حضرت آیت الله العظمی کوهستانی رحمه الله در کوهستان بهشهر شرکت کردم بعد از اتمام مجلس به یکی از مدرسه‌های معظم له رفتم بالای سر یکی از کلاس‌ها نوشته بود: «من راضی نیستم که طلبه ای این جا بماند و نماز شب نخواند.»

دو رکعت نماز قبل از ظهور

حضرت مهدی «عج» در روز ظهور به اذن پروردگار به مسجد الحرام می‌رود و پشت مقام ابراهیم رو به کعبه می‌ایستد و دو رکعت نماز می‌گزارد و سپس اعلام ظهور می‌فرماید. [۱].

[۱] هزار و یک نکته درباره نماز، ص ۱۲.

توجه کرده‌ای که در برابر این برنامه توفیق شنیدن یافتی

یکی از طلاب می‌گوید:
شبی برای عبادت از خواب برخاستم ناگهان شنیدم که در و دیوار مدرسه (مدرسه صدر اصفهان) و سنگریزه‌ها و درخت‌ها ذکر

می‌گویند. مشغول تحقیق شدم وقتی که نزدیک حجره‌ی آخوند کاشی قدس سره رسیدم، دیدم محاسن سپیدش را روی خاک گذاشته و از دو دیده‌اش اشک می‌بارد و می‌گوید: «سبوح قدوس رب الملائکة و الروح» و در و دیوار مدرسه و... به دنبال او این ذکر را می‌گویند.

فرداي آن شب خدمت استاد رسيدم و داستان ديشب را عرض كردم و گفتم: ماجراي ديشب مرا سخت به تعجب وا داشت. آخوند كاشي قدس سره در كمال سادگي گفت: تعجب از كار تو است كه به چه علت گوش تو باز شد و اين صداها را شنيددي، هان! تو چه كرده‌اي كه در برابر اين برنامه توفيق شنيدن يافتي؟ [۱].

[۱] عرفان اسلامي، ج ۵، ص ۱۶۷ - نقل شده در هزار نکته درباره نماز، ص ۱۷۹.

سه توصيه نوراني

آيت الله سيد حسن مدرس قدس سره در پشت صفحه‌ي اول قرآني كه از ايشان به يادگار مانده و نزد نوه‌اش نگهداري مي‌شود به خط خود خطاب به دخترش چنين نوشته است: اي فاطمه بيگم! تو را به سه خصلت توصيه مي‌كنم:

۱. نماز و قرآن را بخوان.
۲. براي پدر و مادرت دعا كن.

[صفحه ۷۸]

۳. در زندگي قناعت داشته باش. [۱].

[۱] داستان‌هاي مدرس، ص ۱۳۱.

نماز اول وقت شما ترك نشود

حضرت آيت الله بهاء‌الدينی، در سفارش سلوكي به سالكان راه خدا هميشه تاكيد داشتند كه: بنده‌ي خدا باشيد خالص شويد به خدا تقرب بجوييد. به نماز اول وقت اهميت زيادي مي‌دادند و همواره افراد را به اداي آن تشويق مي‌كردند و مي‌فرمودند: اگر مي‌خواهيد بركاتي نصيبتان شود نماز اول وقت شما ترك نشود. [۱].

[۱] زندگي نامه معظم له، ص ۶۱ و ۵۳.

شصت سال نماز جماعت در حرم مطهر حضرت معصومه

در برخي از يادداشت‌هاي حضرت آيت الله العظمي مرعشي نجفي قدس سره آمده است:
هنگامي که در قم سکونت کردم (۱۳۴۳ قمری)، صبحها در حرم حضرت معصومه عليهاالسلام اقامه‌ي نماز جماعت نمي‌شد و من تنها کسي بودم که اين سنت را در آنجا رواج دادم و از شصت سال پيش به اين طرف صبح زود و پيش از باز شدن درهاي حرم مطهر و زودتر از ديگران مي‌رفتم و منتظر مي‌ايستادم. اين انتظار گاهي یک ساعت قبل از طلوع فجر بود تا خدام درها را باز کنند. در زمستانها هنگامي که برف همه جا را مي‌پوشاند بيلچه‌اي کوچک به دست مي‌گرفتم و راه خود را به طرف صحن باز مي‌کردم تا خود

[صفحه ۷۹]

را به حرم مطهر برسانم. در آغاز خود به تنهائي نماز مي‌خواندم. تا پس از مدتي یک نفر به من اقتدا کرد و پس از آن کم‌کم افراد ديگر اقتدا کردند و به اين ترتيب نماز جماعت را در حرم مطهر آغاز کردم و تا امروز که شصت سال از آن تاريخ مي‌گذرد ادامه دارد. آهسته آهسته ظهرها و شبها نيز اضافه شد و از آن پس روزي سه بار در مسجد بالا سر حضرت معصومه عليهاالسلام و صحن شريف نماز مي‌خواندم. [۱] .

[۱] کرامات مرعشيه، ص ۶۸.

نسخه شفابخش

علامه طباطبائي و آيت الله بهجت، از استاد خود مرحوم آيت الله قاضي قدس سره نقل نمودند که فرمود:
اگر کسي نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عاليه نرسد مرا لعن کند! [۱] .

[۱] در محضر بزرگان، ص ۹۹.

فرزندم دنيا می خواهی نماز شب بخوان

علامه طباطبائي قدس سره مي‌فرمايد: چون به نجف اشرف براي تحصيل مشرف شدم گاهي به محضر مرحوم قاضي شرفياب مي‌شدم تا اين که یک روز در مدرسه‌اي ايستاده بودم که مرحوم قاضي از آن جا عبور مي‌کردند چون به من رسيدند دست خود را روي شانهي من گذاردند و گفتند: اي فرزند! دنيا مي‌خواهي نماز شب بخوان، آخرت مي‌خواهي نماز شب بخوان. [۱] .

[صفحه ۸۰]

سفارش به نماز اول وقت

در احوالات حضرت آیت الله شیخ محمد فارابی خانقاهی سوادکوهی (مشهور به شیخ محمد مجتهد) می‌گویند: شیخ در عبادت و صفای باطن و تضرع و زاری به درگاه خدای سبحان و تهجد و نماز شب و مناجات و نماز اول وقت، زبان زد خاص و عام بود و می‌فرمود: حضرت مهدی «عج» به یکی از مشتاقان دیدارش به نام «زهري» که به زیارت آن حضرت موفق شده بود دو بار فرمود: از رحمت خدا دور است کسی که نماز صبح را چندان تأخیر بیندازد تا ستاره‌ها ناپدید شوند و نماز مغرب را به قدری تأخیر بیندازد تا ستاره‌ها ظاهر شوند. با ذکر این حدیث همیشه شاگردان و اطرافیانش را به نماز اول وقت و اهمیت آن سفارش می‌نمود.

به واسطه نماز به آنچه می‌خواستیم می‌رسیدم

دانشمند شیخ الرئیس ابوعلی سینا می‌گوید: هر زمان برایم مشکلی پیش می‌آمد و از حل آن عاجز می‌ماندم به مسجد شهر می‌رفتم و دو رکعت نماز بجا می‌آوردم، سپس از خداوند می‌خواستم مرا به وسیله‌ی نور آن نماز یاری دهد تا گره از مشکلم باز کند، پس از ادای آن دو رکعت، راه حل مشکل، برایم آسان می‌شد و به آنچه می‌خواستم می‌رسیدم. [۱].

[صفحه ۸۱]

مگر ماهی از شنا خسته می‌شود که من از نماز خسته شوم

علامه امینی قدس سره مدت سه شب در حرم امام رضا علیه‌السلام بود و هر شب هزار رکعت نماز می‌خواند به او گفتند: شما خسته نمی‌شوید؟ فرمود: مگر ماهی از شنا خسته می‌شود که من از نماز خسته شوم؟! [۱]

گناه نکنید و نماز اول وقت بخوانید

حجت الاسلام و المسلمین سید عباس موسوی مطلق نامه‌ای را به محضر حضرت آیت الله بهجت می‌نویسد از ایشان تقاضا می‌کند که بیان بفرمایند برای از دیاد محبت به حضرت حق و ولی عصر «عج» چه بکنیم؟ در جواب مرقوم فرمودند: گناه نکنید و نماز اول وقت بخوانید. همین سوال را از محضر مرحوم آیت الله العظمی اراکی در نامه‌ای نمودند معظم له نیز همین جواب را مرقوم فرمودند: گناه نکنید و نماز اول وقت بخوانید. [۱]

[صفحه ۸۲]

[۱] در محضر اولیاء.

اسرار نماز و اعمال آن

فلسفه و اسرار نماز چیست

اولین واجبی که رسول خدا صلی الله علیه و اله برای امت آورد نماز است و اول چیزی که پس از مرگ از مسلمان می‌پرسند نماز است اگر قبول شود به سایر اعمال توجه می‌نمایند و اگر قبول نشود به سایر اعمال توجهی نمی‌شود. در اسلام هیچ فریضه‌ای بدون حکمت و فلسفه نیست. نمازهای واجب هم دارای رمز و رازی است که به همین جهت خدای حکیم و سبحان نمازهای واجب را در پنج وقت تحت شرائطی بر بندگانش واجب نموده است. برای تمام اجزاء نماز؛ فلسفه و اسراری است که ائمه معصومین علیهم‌السلام به مناسبت‌های مختلف یا در جواب سوالاتی که درباره‌ی راز و رمز و فلسفه نماز از آنها می‌شد در احادیث فراوان به آن اشاره کرده‌اند. ضمراً بن حبیب می‌گوید:

[صفحه ۸۳]

از پیامبر صلی الله علیه و اله درباره‌ی نماز پرسش شد. حضرت درباره‌ی خواص و فواید و اسرار نماز فرمودند: «نماز از شرایع دین است و رضای پروردگار در نماز است نماز منہاج و صراط انبیاء به سوی الله می‌باشد. و برای نمازگزار دوستی فرشتگان، هدایت و ایمان، نور، معرفت و شناخت پروردگار، تشخیص حق از باطل، برکت در رزق و روزی و راحتی بدن و سلامت آن و کراهت و ناراحتی شیطان می‌باشد و نماز سلاح مومن علیه کافر و موجب اجابت دعا و قبولی اعمال است و زاد و توشه‌ی مومن در دنیا برای آخرت می‌باشد. نماز شفیع نمازگزار در نزد ملک الموت، مونس در قبر، فرشی نیکو در زیر پایش و پاسخ نمازگزار برای نکیر و منکر می‌باشد. نماز بنده به صورت تاجی است بر سر او و موجب نورانیت صورتش، لباس برای بدنش و ساتر و حائل بین او و آتش جهنم است. نماز حجت و برهان خوبی بین او و پروردگارش بوده و موجب نجات بدنش از آتش جهنم و جواز عبور از صراط است. نماز موجب فتح و گشایش ابواب جنت به سوی او می‌باشد و مهریه‌ی حورالعین و ثمن و بهای بهشت است، به وسیله‌ی نماز

بنده به درجه‌ی عالی و مقام والا می‌رسد زیرا نماز تسبیح و تهلیل و تکبیر و تمجید و تقدیس الهی است. نماز قول حق و دعوت به سوی حق می‌باشد. [۱]

[صفحه ۸۴]

[۱] بحار، ج ۸۲، باب فضل الصلوة، ج ۵۶، ص ۲۳۱.

حکمت و جوب نماز چیست

امام رضا علیه‌السلام فرمود: علت این که نماز بر مردم واجب شد آن است که نمازگزار به ربوبیت خداوند متعال اقرار و اعتراف می‌کند و هر گونه شریکی را از ساحت قدس او به دور می‌افکند. و در پیشگاه خداوند جبار - جل جلاله - با حالت خواری و بیچارگی و فروتنی و با اعتراف به ضعف خویش می‌ایستد و چشم‌پوشی از گناهان گذشته‌ی خویش را از حضرتش خواستار می‌شود. هر روز صورت بر زمین می‌گذارد تا بدین وسیله تعظیم خدای عزوجل بنماید و همیشه به یاد خدا باشد و آنی او را فراموش نکند و سرکشی و طغیان ننماید. و تا این که حالت دل شکستگی و تذکر را از دست نداده و خواستار و راغب دین و دنیای خود باشد.

نماز موجب یاد خدا و تداوم ذکر او در تمام شب و روز می‌باشد. در نماز، بنده سرور و تدبیر کننده و آفریننده خود را فراموش نمی‌نماید که اگر فراموش کند و یا ناسپاسی کند و گردنکشی نماید، با یاد خدا و ایستادن به نماز در پیشگاه خداوند، از همه‌ی گناهان باز داشته شود و از هر گونه فساد و تباهی دوری نماید. [۱]

[۱] وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱، از ابواب اعداد الفرائض، ج ۷، ص ۴.

حکمت نمازهای پنجگانه در پنج وقت برای چیست

امام حسن مجتبی علیه‌السلام درباره‌ی فریضه‌ی یومیه در پنج وقت تحت شرایطی بر بندگان خداوند چنین می‌فرماید:

[صفحه ۸۵]

عده‌ای از یهودیان به محضر پیامبر صلی الله علیه و اله شرفیاب شدند داناتریشان مسائلی را از پیامبر صلی الله علیه و اله پرسید از جمله پرسشهایی او این بود:

ای رسول خدا صلی الله علیه و اله خبر بده مرا که خداوند برای چه و به چه علت این نماز پنجگانه را در پنج وقت از شبانه روز بر امت تو فرض و واجب کرد؟

پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: همانا در هنگام زوال آفتاب غیر از عرش خدا همه چیز تسبیح حضرت حق می‌گویند و به حمد پروردگارم مشغول می‌گردند. در آن هنگام پروردگارم بر من درود می‌فرستد در این ساعت خداوند نماز را بر امتم فرض و واجب ساخت. که خداوند در قرآن می‌فرماید: به پا بدار نماز را از بازگشتگان خورشید (نصفه‌ی روز) تا تاریکی

شب. و این ساعتی است که جهنمیان را در قیامت به جهنم وارد می‌کنند. پس هیچ مومنی نیست که در این ساعت به رکوع یا سجود و یا قیام مشغول باشد مگر این که خداوند جسدش را بر آتش جهنم حرام می‌گرداند. و اما نماز عصر و آن در ساعتی است که آدم ابوالبشر از میوه‌ی شجره‌ی منیه خورد و از بهشت خارج شد پس خداوند ذریه‌ی حضرت آدم را امر به نماز عصر نمود و خداوند این را برای امت من نیز اختیار نمود و این نماز از محبوبترین نمازها به پیشگاه حضرت حق است و مرا توصیه نمود به حفظ بیشتر این نماز در بین نمازهای یومیه.

[صفحه ۸۶]

و اما نماز مغرب و آن در ساعتی است که خداوند توبه‌ی حضرت آدم را در آن ساعت پذیرفت که سیصد سال پس از هنگام خوردن حضرت آدم از میوه‌ی درخت منیه تا قبول توبه‌اش به طول انجامید. حضرت آدم سه رکعت نماز مغرب به جا آورد رکعتی برای خطای خویش و رکعتی برای خطای حضرت حوا، و رکعتی برای (شکرانه قبول) توبه‌اش پس خداوند این سه رکعت را بر امت فرض و واجب ساخت. مغرب وقتی است که دعا در آن مستجاب است و پروردگرم به من وعده داده که دعای مومنین را در این وقت مستجاب نماید. و این همان نمازی است که خداوند در قرآن مرا به آن امر نموده و فرمود: منزله شمارید خداوند را، هنگامی که شب کنید و هنگامی که بامداد کنید. [۱].

اما نماز عشاء، پس به راستی در قبر و در روز قیامت ظلماتی است لذا پروردگرم به من و امتم به نماز عشاء امر فرمود برای نورانیت قبر و روشن ساختن آن و این که به من و به امتم نوری روی صراط عطا فرماید و هیچ قدمی نیست که به سوی نماز عتمه و عشاء برود مگر آن که خداوند بدنش را از آتش جهنم حرام می‌گرداند. و این نمازی است که پروردگار متعال آن را برای مرسلین و انبیای قبل از من اختیار فرموده.

و اما نماز صبح پس همانا آفتاب وقتی طلوع می‌کرد گویا بر شاخه‌های شیطان طلوع می‌کرد. پس خدایم مرا امر فرمود که قبل از

[صفحه ۸۷]

طلوع خورشید و قبل از آن که کافر برای آفتاب سجده کند نماز صبح بخوانیم تا آن که امتم برای خداوند سجده نمایند. و زود به جا آوردن آن در پیشگاه خداوند محبوب‌تر است. این نمازی است که همه ملائکه شب و هم ملائکه روز شاهد و ناظر آن می‌باشند. [۲].

[۱] سوره‌ی روم، آیه ۱۷.

[۲] من لا یحضره الفقیه، ج ۱، باب ۳۱، ص ۱۳۵.

تکبیرهای هفتگانه هنگام نیت برای چیست

مرحوم شیخ جعفر رحمه الله صاحب کتاب قیم «کشف الغطاء» می‌فرماید:
راز تکبیرهای هفتگانه هنگام نیت همانا برطرف کردن غفلت می‌باشد تا تمرکز نمازگزار از انکسار و ذلت در پیشگاه خداوند بیشتر شود. [۱].

[۱] سرالصلوة، ص ۲۴.

بلند کردن دستها در تکبیرة الاحرام به چه معناست

بعضي گویند: بلند کردن دستها در تکبیرة الاحرام نماز اشاره به این است که پروردگارا! در دریای معصیت غرق شده‌ام برای نجاتم دستم را بگیر. [۱].

[۱] عرفان اسلامی، ج ۵، ص ۲۰۳.

سر بلند کردن دستها هنگام تکبیرات چه علتی دارد

امام خمینی رحمه الله: اهل معرفت گویند که (نمازگزار باید) به واسطه آن غیر (خدا) را به پشت سر اندازند و خار طریق وصول را از میان بردارند و خود را منقطع از ما سوي و خالص و مخلص گردانند. آن گاه به معراج حقیقی، معنوی و مسافرت الی الله روند. [۱].

[صفحه ۸۸]

[۱] چهل حدیث، ص ۴۳۱.

چرا ذکر رکوع و سجود با یکدیگر فرق دارند

هشام بن حکم از حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام پرسید: چرا نماز گزاران در رکوع می‌گویند: «سبحان ربی العظیم و بحمده» ولی در سجود می‌گویند: «سبحان ربی الاعلی و بحمده»؟
امام علیه‌السلام فرمود: ای هشام! وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و اله را به معراج بردند و در آن جا نماز گزارد و ذکر گفت و از عظمت خداوند دید آنچه را که دید، بندهای بدنش لرزید و بدون اختیار به حال رکوع در آمد و در آن حال گفت: «سبحان ربی العظیم و بحمده» پروردگار بزرگ من، از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم. و وقتی که از آن حالت برخاست نظرش به عظمت خدای خود در مکان بلندتری که از آن برتر تصور نمی‌شد افتاد و بدون اختیار صورت خود را بر خاک نهاد و گفت: «سبحان ربی الاعلی و بحمده» پروردگار من که از همه کس برتر می‌باشد و از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله این کلمات را تکرار می‌کرد تا پس از گفتن هفت مرتبه قدری از آن رعبی که دلش را پر کرده بود کاسته شد به خاطر همین در امت او این دو ذکر سنت شد.

لطفاً رازهایی که در وضو گرفتن واقع شده است چیست

حضرت آیت الله جوادی آملی: رسول خدا صلی الله علیه و اله بعد از نماز صبح بین الطلوعین، در مسجد می‌نشستند و به سوالات مردم

[صفحه ۸۹]

پاسخ می‌دادند. روزی دو نفر نوبت گرفتند تا در محضر حضرت سوالاتی مطرح کنند پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: بگویم شما برای چه آمده‌اید یا شما خود می‌گویید؟ عرض کردند یا رسول الله شما بفرمایید؟ فرمودند: «یکی برای یاد گرفتن مسائل حج آمده است و دیگری برای سوال در مسائل وضو گرفتن آن گاه جواب سوال‌ها را چنین بیان فرمودند:

اما معنای وضو گرفتن: شستن صورت در وضو یعنی خدایا هر گناهی که با این صورت انجام دادم آن را شستشو می‌کنم که با صورت پاک به جانب تو عبادت کنم و با پیشانی پاک سر بر خاک بگذارم. شستن دستها در وضو یعنی، خدایا! از گناه دست شستم و گناهانی را که با دستم مرتکب شده‌ام تطهیر می‌کنم. مسح در وضو یعنی، خدایا! از هر خیال باطل و هوس خام که در سر پرورانده‌ام سرم را تطهیر می‌کنم. و آن خیال‌های باطل را از سر به دور می‌اندازم. مسح پا یعنی، خدایا! من از جای بد رفتن، پا می‌کشم و این پا را از هر گناهی که با آن انجام داده‌ام تطهیر می‌کنم. اگر کسی بخواهد نام مبارک حق تعالی را بر زبان آورد باید دهان را تطهیر کند. مگر می‌شود با دهان نشسته انسان نام خدا را ببرد. باید با آب در دهان مضمضه کند و آن را بشوید». این گوشه‌ای از اسرار وضو گرفتن است اگر ما می‌بینیم از نماز لذت نمی‌بریم و از عبادت لذت نمی‌بریم برای

[صفحه ۹۰]

آن است که به این اسرار آشنا نیستیم. آنها که از عبادت لذت می‌برند چیزی را با این عبادت تبدیل و تعویض نمی‌کنند. این که می‌بینیم ما نماز می‌خوانیم چیزی از نورانیت احساس نمی‌کنیم برای آن است که نماز را با آداب و اسرار آن نخوانده‌ایم. خاصیت نماز در معرفت باطن آن است. [۱].

[۱] اسرار عبادات، آیت الله جوادی آملی، ص ۲۰ و ۲۱.

اسرار وضو چیست

امام رضا علیه‌السلام در جواب مسائل محمد بن سنان نوشت: وضو که به خاطر آن شستن وجه و ذراعین و مسح سر و قدمین می‌باشد بر بنده واجب است. قیام بنده است در ساحت و حضور پروردگار خود و رو آوردن بنده است به درگاه او با جوارح ظاهری خود و ملاقات نمودن بنده است با آن جوارح ظاهر با کرام الکتبیین. پس می‌شوید صورت را از جهت خضوع. و می‌شوید دستها را به جهت گردانیدن آنها و به جهت خوف و شوق و انقطاع از دنیا به سوی خداوند خود، مسح می‌کند سر و قدمهای خود را از جهت این که ظاهر و آشکارند. و رو آوردن به آن دو در همه احوال برای این است که آن فروتنی و انقطاع به سوی خدا که در وجه و ذراعین است در آن دو نمی‌باشد. [۱].

وضوی امیر مومنان چگونه بوده است

امام صادق علیه السلام فرمود:

[صفحه ۹۱]

روزي اميرالمومنين عليهالسلام با محمد بن حنفیه نشستہ بود. حضرت به فرزندش، محمد حنفیه فرمود: ظرف آبی از برای من حاضر کن تا برای نماز وضو بسازم! محمد حنفیه آب آورد. حضرت کف دست راستش را از آب پر کرد و بر دست چپش ریخت و فرمود: به نام خدا و به کمک او و حمد و سپاس مخصوص خدا است که آب را پاک قرار داده و آن را نجس قرار نداده است.

سپس حضرت امیر علیه السلام استنجاء نمود و فرمود:

بار پروردگارا! مرا از شهوات (نابجا و حرام) حفظ فرما و از آلودگیهای جنسی نگهم دار و عورتم را بپوشان و با این وسائل و اسباب، جهنمی ام مکن و آتش را بر من حرام کن.

سپس حضرت امیر علیه السلام با آب مضمضه کرد و فرمود:

پروردگارا! در روز قیامت مرا بر بیان حجت و برهانم قدرت بده و حجتم را بر من تلقین فرما و زبانم را به ذکر و ثنای خود گویا کن.

سپس حضرت استنشاق کرد و فرمود:

خدایا! بوی بهشت را بر من حرام مگردان و مرا از کسانی قرار ده که روح و ریحان و بوی خوش و دلنشینی بهشت را استشمام می کنند.

آنگاه صورت خویش را شستشو داد و فرمود:

بار پروردگارا! رویم را سفید و نورانی گردان و روزی که صورتهای در آن سیاه است و رو سیاهم مکن روزی که همه صورتهای سفید و نورانی است.

سپس دست راستش را شست و فرمود:

[صفحه ۹۲]

بار خدایا! نامه‌ی علم را به دست راستم مرحمت کن و برات بهشت را به دست چپم بده و محاسباتم را آسان گردان.

سپس دست چپش را شست و فرمود:

خداوندا! نامه‌ی اعمالم را به دست چپم نده و آن را به گردنم مغلول مفرما.

پروردگارا! از مقطعات آتش جهنم به تو پناه می آورم.

سپس حضرت سر مبارکش را مسح نمود و فرمود:

بار خدایا! رحمت و برکت و عفو خویش را شامل من گردان.

سپس پاهای مبارکش را مسح نمود و فرمود:

بار خدایا! مرا بر (عبور از) پل صراط ثابت و استوار فرما، روزی که قدمها (بر هنگام عبور از پل صراط) لغزان و لرزان است و خدایا! سعی و تلاشم را در آنچه موجب رضایت و خشنودیت می‌باشد قرار بده ای صاحب جلال و عظمت و کرامت.

سپس حضرت سر برداشت و نگاهی به محمد حنفیه نمود و فرمود:

ای محمد حنفیه! هر کس وضو بسازد همانند وضویی که من ساختم و بگوید (و دعا کند) آنچه که من گفتم خداوند تبارک و تعالی از هر قطره آب وضویش ملکی برای او می‌آفریند که مشغول تقدیس و تسبیح و تکبیر برای خداوند هستند و خداوند عزوجل ثواب این اذکار را تا روز قیامت برای او ثبت و ضبط خواهد نمود. [۱].

[۱] من لا یحضر الفقیه، ج ۱، ص ۴۲.

اسرار تیمم در چیست

راز تیمم این است که: هر گاه آب نیافتی پس خاک را که به ظاهر

[صفحه ۹۳]

پست‌ترین پدیده‌های جهان است به دست و صورت خود بمال تا تمامی کبر و غرور و شهوات و هواهای فردی و شیطنانی از تو دور گردد و شاید خدای رحیم بر این همه ذلت و خاکساری تو رحمش آید و دستت را گرفته و به راهت آورد. [۱].

[۱] هزار و یک نکته درباره نماز، ص ۱۶۴ به نقل از اسرار الصلوة شهید ثانی.

حالات نمازگزار در هنگام استقبال قبله برای چیست

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

هر گاه برای نماز به قبله رو آوردی دنیا و آنچه در دنیا است و خلاق و آنچه که دارند همه را فراموش کن و نادیده بگیر و قلبت را از هر چیزی که تو را از خدا غافل می‌گرداند فارغ گردان و دور کن و عظمت و بزرگواری باری تعالی را با چشم قلب و بصیرتت معاینه کن و ببین و به یاد آور توقف و ایستادن را مقابل پروردگار بزرگ در روزی که هر کسی آنچه در دنیا از نیک و بد کرده می‌بیند و آن روز بازگشت همه‌ی خلاق به جانب خداوند عالم که حق محض است می‌باشد که ظلم و ستم به درگاه حکومت او راه ندارد. الحال که چنین است همیشه بر پایه‌ی خوف و رجاء متوقف باش به طوری که در تو ترس از عذاب خدا و امید به رحمت و مغفرت او یکسان باشد، به طوری که نه ترس از عذاب تو را مأیوس از مغفرت خداوند نماید و نه امید به رحمت و مغفرت او، تو را به گناه و معصیت او وا دارد. و هر گاه تکبیره الاحرام گفتی همه چیز را از آنچه که در آسمان و زمین است در مقابل خدای کبیر و متعال کوچک و ناچیز بشمار،

مگر کبريائي و بزرگي خداوند متعال را. زيرا خدای تعالی از قلب بندهي خویش مطلع و آگاه است. اگر او تکبیر بگوید و حال آن که در قلب او عوارضي و موانعي از حقيقت تکبیر وجود داشته باشد در این صورت خداوند خطاب به او می‌فرماید: اي دروغگو آیا با من خدعه می‌کنی؟ و مرا نیز همانند دیگر از خلائق من - العیاذ بالله - فریب می‌دهی؟! سوگند به بزرگي و جلالم که حلاوت و شیرینی ذکر و مناجاتم را بر تو حرام می‌نمایم و تو را از نزدیک شدن به خودم محروم نموده و حایلي بین خود و تو قرار می‌دهم تا توفیق قرب مرا پیدا نکنی و سرور و خوشحالی مناجاتم را از تو سلب می‌گردانم. [۱]

[۱] مصباح الشریعه، ص ۹۱، باب افتتاح الصلوة.

افزودن هفت رکعت به نمازهای یومیه برای چه بوده است

نمازهای یومیه که خداوند بر امت رسول خدا صلی الله علیه و اله واجب نمود و آن را فرض الله می‌نامند ده رکعت است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله هفت رکعت به آن افزود که آن را فرض النبی صلی الله علیه و اله می‌گویند: دو رکعت به نماز ظهر، دو رکعت به نماز عصر، و یک رکعت به نماز مغرب و دو رکعت به عشاء اضافه کرد که مجموع هفده رکعت شد.

سعید بن مسیب می‌گوید: از حضرت امام سجاد علیه‌السلام پرسیدم: چه وقت نماز به هیات فعلی که الان مسلمین انجام می‌دهند واجب شد؟

امام سجاد علیه‌السلام فرمود:

وقتی در مدینه منوره اسلام قدرت گرفت و دعوت به اسلام

آشکار شد و خداوند جهاد را بر مسلمین واجب ساخت.

رسول خدا صلی الله علیه و اله به کل نماز هفت رکعت افزود. در ظهر دو رکعت و در عصر دو رکعت و در مغرب یک رکعت و در عشاء دو رکعت اضافه نمود ولی نماز صبح به همان حالت که در مکه فرض شده بود را باقی گذاشت و جهتش را تعجیل عروج ملائکه شب به آسمان و تعجیل نزول ملائکه روز به سوی زمین ذکر فرمود و چون ملائکه شب و روز با پیامبر در اقامه‌ی نماز فجر حضور پیدا می‌کردند خداوند عزوجل فرمود: «و نماز فجر و بامداد است که مشهود می‌باشد». و مسلمانان با ملائکه مأمور روز و شب با پیامبر صلی الله علیه و اله در آن نماز حضور پیدا می‌کردند. [۱]

فلسفه قیام در حال نماز در چیست

قیام در حال نماز برای این است که انسان در پیشگاه خدای متعال بایستد و حق بندگی او را ادا نماید و از خیرات پروردگار بهره‌مند شود و بداند که در قیامت نیز در پیشگاه او قیامی خواهد داشت. [۱].

[۱] اسرار الصلوة، ص ۲۰۴.

چرا استعاذه در نماز

خداوند سبحان در قرآن کریم در مورد پناهنده شدن از شر شیطان به خدا چنین می‌فرماید:
«فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم» [۱].
هر گاه قرأت قرآن می‌نمایی پس از شر شیطان به خداوند پناه

[صفحه ۹۶]

ببر زیرا از شر شیطان در امر عبادت‌مان در امان نیستیم که آن ملعون ما را گمراه و عبادت ما را فاسد نموده تا ما را از اخلاص در عبادت برای خدا به دور نگاه دارد.

[۱] نحل، آیه ۹۸.

صاحب مغتنیات الدرر در تفسیرش چنین می‌گوید: چرا قبل از بسم الله و پس از تکبیر استعاذه

می‌نمایم

در پاسخ می‌گوید: تقدم استعاذه بر «بسم الله الرحمن الرحيم» از باب تقدم تخلیه بر تخلیه است ابتدا آدمی استحمام می‌نماید و از چرک و کثافت پاک می‌گردد سپس لباس زیبا و تمیز می‌پوشد و خود را معطر می‌سازد. همچنین نخست از شر شیطان باید به خدا پناهنده شویم و از مکر و حيله‌ی او در امان باشیم سپس به وادی عبادت و طاعت خدا وارد شویم. [۱].

چرا بعضی نمازها به جهر (بلند) و بعضی به اخفاء (کوتاه) خوانده می‌شود

محمد بن عمران از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد: یابن رسول الله به چه علت نماز جمعه و مغرب و عشاء و صبح بلند خوانده می‌شود؟ و قرائت نماز ظهر و عصر آهسته خوانده می‌شود؟ و چرا در رکعت سوم و چهارم تسبیحات اربعه افضل از حمد است؟

حضرت امام صادق علیه‌السلام در پاسخ محمد بن عمران فرمود:
پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله هنگامی که به معراج رفت در معراج، اول نمازی

[صفحه ۹۷]

که از طرف خداوند متعال به حضرتش واجب شد نماز ظهر جمعه بود که خداوند ملائکه را امر فرمود به پیامبر صلی الله علیه و اله اقتداء نموده و در پشت سرش به نماز بایستند و خداوند به پیامبرش امر نمود که نماز ظهر جمعه را بلند بخواند تا فضل او برای ملائکه روشن گردد.

سپس خداوند نماز عصر را بر پیامبر صلی الله علیه و اله فرض و واجب ساخت و دیگر احدی از ملائکه به عنوان ماموم در خلف و پشت سر پیامبر صلی الله علیه و اله قرار نگرفت خداوند پیامبرش را امر فرمود:
حمد و سوره‌ی نماز عصر را آهسته بخواند زیرا که در پشت سر پیامبر صلی الله علیه و اله کسی نبود و سپس نماز مغرب را بر پیامبر صلی الله علیه و اله واجب ساخت ملائکه به پشت سر پیامبر صلی الله علیه و اله ایستادند. و خداوند امر فرمود که پیامبر صلی الله علیه و اله نماز مغرب را بلند بخواند و همچنین در نماز عشاء مأمور به بلند خواندن شد. پس نزدیک صبح از آسمان به زمین آمد و نماز صبح را به پیامبر صلی الله علیه و اله فرض و واجب کرد و پیامبر صلی الله علیه و اله را مأمور کرد که بلند بخواند تا فضل او بر مردم روشن گردد همچنان که بر ملائکه آشکار شد.
این دلایل مذکوره علی بود برای بلند خواندن و آهسته خواندن نمازهای یومیه و جمعه.

علت فضیلت تسبیحات اربعه بر حمد و دو رکعت آخر در چیست

و اما فضل و برتری تسبیحات اربعه بر حمد در دو رکعت آخر برای این است که: نبی اکرم صلی الله علیه و اله وقتی که به این دو رکعت اخیر

[صفحه ۹۸]

رسید یادش آمد از آنچه که از عظمت و جلال پروردگار دیده بود با حالت بهت‌زدگی و دهشت فرمود: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

یعنی: منزّه و پاک است خداوند بزرگ و حمد و ستایش مختص به او است و خدایی جز او نیست و خداوند بزرگتر از آن است که وصف شود.

پس بر این تسبیحات افضل از قرائت حمد محسوب گردید و به این منوال تشریح شد. [۱] .

چرا در رکوع گردن و سر را می کشیم

راوي از اميرمومنان علي عليه السلام مي پرسد: اي پسر عم بهترين خلق خدا، معنای کشیدن گردن و سر در رکوع چه مي باشد؟

امام عليه السلام مي فرمايد: تاويلش اين است که مي گويي:

ايمان آوردم به خداوند اگر چه گردنم زده شود. هنگام رکوع بگو! بار پروردگارا براي تو رکوع مي کنم و براي تو است خشوع من و براي تو است اسلام من و به تو ايمان دارم و بر تو توکل مي نمايم و تو پروردگار مني که خاشع است براي تو صورتم، و گوش و چشمم، و مو و پوستم، گوشت و خون و مغز و اعصابم و استخوانم. و آنچه از من است در روي زمين کلاً از خداوند است که پروردگار عالميان است.

[صفحه ۹۹]

راز سجده تين در چيست

درباره ي تفسير و معنای سجده تين از حضرت علي عليه السلام سوال کردند حضرت فرمود: سجده ي اول که (نماز گزار) سر بر زمين مي نهد اشاره است به اين که از خاک آفريده شده است آن گاه که سر از سجده بر مي دارد کنايه از اين است که از خاک برخاسته است سجده ي دوم اشاره به اين است که (مي ميرد) و باز به زمين بر مي گردد بار ديگر که سر بر مي دارد يعني دوباره سر از خاک بر مي دارد و در قيامت برانگيخته مي شود.

راز قنوت

قنوت در لغت به معنای اطاعت همراه با خضوع است چنانکه خداوند خطاب به حضرت مريم مي فرمايد: «يا مريم اقنتي لربك» [۱].

(يعني: اي مريم! براي پروردگار خود خضوع كن.) اما مراد از قنوت در نماز همان دعايي است که در رکعت دوم هر نماز مي خوانيم. امام صادق عليه السلام در تفسير آيه «تبتل اليه تبتلاً» [۲] مي فرمايد: مراد از «تبتل» آن است که در نماز دست ها را به دعا بلند کنيم. «تبتل» در لغت به معنای قطع اميد از غير خدا است.

[۱] آل عمران، آيه ۴۳.

[۲] مزمل، آيه ۸.

راز تشهد

امام صادق عليه السلام فرمود:

تشهد ستایش خداوند تعالی است. پس در باطن و ضمیر بنده‌ی او، و در عمل و کردار خاضع برای او باش، چنان که در سخن و ادعا بنده‌ی او هستی. و راستی زبانت را به صفای صدق

[صفحه ۱۰۰]

ضمیرت بپیوند که او تو را بنده آفریده و دستورت داده تا با قلب و زبان و (همه‌ی) اعضا و جوارحت عبادتش کنی و بدان جهت که او پروردگار تو است بندگی او نمایی. [۱].

[۱] سرالطوة، ص ۱۱۰.

چیست معنای سلام در پایان نماز

امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرماید: معنای سلام در پایان نماز ایمنی است، یعنی کسی که امر حق تعالی و سنت پیامبرش را ادا نماید در حالی که برای خدا خاضع و از او ترسناک است پس برای اوست امان و مصونیت از بلائی دنیا و ایمنی از عذاب آخرت. [۱].

[۱] صلوة الخاشعین، ص ۱۵۲.

از رسول خدا پرسیدند، چرا پیش از نماز، اذان و اقامه مستحب است ولی در مورد عبادات دیگر

چنین نیست

رسول الله صلی الله علیه و اله فرمودند: به خاطر این که نماز شبیه حالتهای مختلف انسان در قیامت است. اذان به نفعی اول شباهت دارد که با نفعی اول (و دمیدن اسرافیل در صور) همه‌ی مردم می‌میرند و از همین جاست که نشستن و سجده کردن بعد از اذان مستحب است (سجده اشاره به مرگ و بازگشت انسان به خاک و زمین است) و اقامه‌ی نماز شبیه نفعی دوم است (که با دمیدن اسرافیل در صور در مرتبه‌ی دوم مردگان زنده می‌شوند) که خدای متعال فرمود: و گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می‌دهد. [۱].

و قیام در نماز مانند برخاستن مردم از قبرها است چنانکه فرمود:

[صفحه ۱۰۱]

«یوم یقوم الناس لرب العالمین» [۲] روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند.

و بلند کردن دستها هنگام گفتن تکبیرة الاحرام شبیه دست دراز کردن برای گرفتن نامه اعمال در قیامت است که خدای بزرگ فرمود: «اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً» [۳] - (و به او می‌گوییم) کتابت را بخوان کافی است که امروز خود حسابگر خویش باشی. و رکوع نماز، به خضوع خلاق در پیشگاه خالق شباهت دارد چنانکه فرمود: «و عننت الوجوه للحي القيوم» [۴] و (در آن روز) همه چهره‌ها در برابر خداوند حی قیوم خاضع می‌شود. و سجود نماز شبیه سجود بندگان برای خدای جهان در قیامت است که فرمود: «یوم یکشف عنساق و یدعون الی السجود» [۵] به خاطر بیایورید روزی را که ساق پاها از وحشت برهنه می‌گردد و دعوت به سجود می‌شوند و تشهد نماز شباهت دارد به زانو زدن خلاق در پیشگاه خدای متعال در روز قیامت. [۶].

[۱] ق، آیه ۴۱.

[۲] مطفین (۸۳)، آیه ۶.

[۳] اسراء (۱۷)، آیه ۱۴.

[۴] طه (۲۰)، آیه ۱۱۱.

[۵] قلم (۶۸)، آیه ۴۲.

[۶] اسراء الصلوة، ص ۴۱ - ۴۰، (عبدالحسن تهرانی).

معنی صحیح الله اکبر چیست

معمولاً وقتی از افراد سوال شود معنی الله اکبر چیست؟ در پاسخ می‌گویند یعنی خدا از همه چیز بزرگتر است. ولی این معنی غلط است اینک به داستان زیر توجه کنید.

[صفحه ۱۰۲]

جمیع بن عمیر گوید: در محضر امام صادق علیه‌السلام بودم آن حضرت از من پرسید جمله‌ی الله اکبر یعنی چه؟ عرض کردم: یعنی خدا بر همه بزرگتر است. فرمود: مطابق این معنی خدا را چیزی تصور کردی و سپس مقایسه با سایر چیزها نمودی و او را بزرگتر از آن چیزها تصور نموده‌ای. (این تشبیه است) عرض کردم پس معنی الله اکبر چیست؟ فرمود: معنایش این است که: الله اکبر ان یوصف؛ یعنی خداوند بزرگتر از آن است که توصیف گردد. به عبارت روشن‌تر ذات پاک خدا را محدود نکن به این که: او در ظرفی و سایر مخلوقات را در ظرف دیگر قرار دهی و بگویی او از همه بزرگتر است و در نتیجه مرتکب تشبیه گردی. [۱].

[۱] اقتباس از معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۱۱.

معنی سبحان الله چیست

شخصی از عمر بن خطاب پرسید: تفسیر کلمه «سبحان الله» چیست؟
عمر گفت: در این باغ (اشاره به باغی که در آن جا بود) مردی هست که وقتی سوال کنی پاسخ می‌دهد و وقتی سکوت کنی آغاز به سخن (در راه آموزش) می‌نماید. آن شخص به باغ رفت و دید حضرت علی علیه‌السلام در باغ مشغول کار است به حضورش رفت و عرض کرد: معنی «سبحان الله» چیست؟
علی علیه‌السلام فرمود: «سبحان الله» تعظیم مقام بلند و با عظمت خدا

[صفحه ۱۰۳]

است و منزله دانستن خدا است از آنچه که مشرکان می‌پندارند و وقتی که بنده‌ای این کلمه را می‌گوید هم‌همی فرشتگان بر او درود می‌فرستند. [۱].

[۱] معانی الاخبار، صدوق، ص ۱۱.

به راستی که تارک نماز کافر است

عبید بن زراره گفت:
از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی گناهان کبیره پرسیدم در پاسخ فرمود:
آنها در کتاب علی علیه‌السلام هفت است:
۱. کفر به خدا.
۲. قتل نفس.
۳. آزار رساندن به پدر و مخالفت به او.
۴. رباخواری پس از علم به حرمت آن.
۵. خوردن مال یتیم به ناحق.
۶. گریختن از جبهه‌ی جهاد.
۷. تعرب پس از هجرت.
گفتم: اینها بزرگترین گناهانند؟ فرمود: آری.
گفتم: خوردن یک درهم مال یتیم از روی ستم بزرگترین است یا ترک نماز؟
فرمود: ترک نماز.
گفتم: شما ترک نماز را در شمار کبایر نیاوردید.
فرمود: آن که نخست برایت گفتم چه بود؟
گفتم: کفر.
فرمود: به راستی که تارک نماز کافر است یعنی ترک بی‌سبب.

[صفحه ۱۰۴]

توجه به آخرت

روزي در منزل امام سجاد عليه السلام آتش سوزي شد آن حضرت در حال سجده بود مردم که از آتش وحشتزده شده بودند امام عليه السلام را صدا زدند و گفتند: يابن رسول الله، يابن رسول الله! آتش، آتش اما امام عليه السلام سر از سجده بر نداشت تا اين که با کمک ديگران آتش خاموش شد. پس از آن که امام عليه السلام نماز را به پايان رسانيد از او سوال شد چه چيزي شما را از اين آتش بي توجه کرده بود؟ حضرت فرمود: آتش آخرت.

توجه در نماز

امام سجاد عليه السلام در حال نماز بود که فرزندش در چاه افتاد. مردم متوجه شدند و سر و صدا بلند کردند و با سعي و تلاش بچه را از چاه بيرون آوردند و همچنان امام عليه السلام در حال نماز بود. وقتي نماز حضرت به پايان رسيد به او گفته شد چرا با افتادن بچه در چاه نماز را تمام نکردي و به نجات فرزندت نشتافتي؟ حضرت فرمود: من متوجه نشدم زيرا با پروردگار بزرگم مشغول مناجات بودم.

پوشیدن لباس های زیبا

هر گاه امام حسن عليه السلام به نماز مي ايستاد بهترين لباس خود را مي پوشيد به او گفته شد: يابن رسول الله چرا بهترين لباس خود را مي پوشي؟ حضرت فرمود: «ان الله جميل، يحب الجمال، فاتجمل لربي».

[صفحه ۱۰۵]

خداوند زيبا است و زيبايي را دوست دارد و من خود را براي خدا آراسته مي کنم. و خداوند فرمود: «زينت هاي خود را به هنگام عبادت در برگيريد» و من دوست دارم بهترين لباسهايم را بپوشم.

بي نمازان و شرابخواران

حضرت رسول الله صلي الله عليه و اله فرمودند: روزي جبرئيل براي اداي وحي به نزد آمد هنوز آنچه را که بايد بر من بخواند تمامش را نخوانده بود که ناگهان آوازي سخت و صدابي هولناک برآمد. وضع فرشته ي وحي تغيير کرد. پرسيدم: اين چه آوازي بود؟ گفت: اي محمد صلي الله عليه و اله خدای تعالی در جهنم چاهي قرار داده است که سنگ سياهي در آن انداخته اکنون پس از ۱۳۰۰۰ سال آن سنگ به زمين آن چاه رسيد. پرسيدم: آن چاه جايگاه چه کساني است؟ گفت: از آن بي نمازان و شرابخواران. [۱] .

[۱] اسرار الصلوة، ص ۳۱.

چهره‌ی شب زنده‌داران

از امام سجاد علیه‌السلام پرسیدند:
چرا شب زنده‌داران صورتی زیباتر از صورت دیگران دارند؟
امام فرمودند:
چون آنان با خدای خویش خلوت کرده‌اند خداوند از نور خود

[صفحه ۱۰۶]

بر چهره‌ی آنان پوشانده است. [۱].

[۱] میزان الحکمة، ج ۵، ص ۴۲۱.

روح ایمان

امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
روح و جان ایمان سه چیز است:
۱. نماز شب خواندن.
۲. روزدار را افطار دادن.
۳. ملاقات برادران نمودن. [۱].

[۱] منازل الاخره، ص ۱۳۴.

پیامبر خدا فرمودند

۱. نخستین چیزی که از بنده حسابرسی می‌شود نماز است. [۱].
و نیز فرمودند:
۲. نماز جماعت بیست و پنج برابر نماز فرادی فضیلت دارد. [۲].

- حضرت علي عليه السلام فرمودند:
۳. دزدترین مردم کسی است که از نماز خود بزددد. [۳].
 - حضرت علي عليه السلام خطاب به امام حسن عليه السلام فرمودند:
 ۴. فرزندان تو را به خواندن نماز در وقت آن توصیه و سفارش مي‌کنم. [۴].
 - امام سجاد عليه السلام فرمودند:
 ۵. هنگامی که به نماز مي‌ایستی طوري آن را بجای آور که گویی آخرین نماز را مي‌خوانی. [۵].

[صفحه ۱۰۷]

- امام صادق عليه السلام فرمودند:
۶. شیعیان ما را به اوقات نماز بیازمایید که چگونه بر خواندن نماز در اول وقت همت مي‌گمارند. [۶].
 - رسول خدا صلي الله عليه و اله فرمودند:
 ۷. نماز پیمان خداوند است. [۷].
 - رسول خدا صلي الله عليه و اله فرمودند:
 ۸. نماز نور چشم من است. [۸].
 - و نیز فرمودند:
 ۹. نماز به منزله‌ی پرچم، آرم و نشانه مکتب اسلام است. [۹].
 - و نیز فرمودند:
 ۱۰. نماز اولین سوال در قیامت است. [۱۰].
 - امام صادق عليه السلام فرمودند:
 ۱۱. نماز آخرین سفارش انبیاء است. [۱۱].
 - حضرت علي عليه السلام فرمودند:
 ۱۲. بهترین اوقات خود را برای نماز قرار بده. [۱۲].
 - و نیز فرمودند:
 ۱۳. نماز، صابون خطاها است. [۱۳].
 - پیامبر اکرم صلي الله عليه و اله فرمودند:
 ۱۴. نماز، چهره‌ی شیطان را سیاه مي‌کند. [۱۴].

[صفحه ۱۰۸]

- و نیز فرمودند:
۱۵. نماز کلید هر خوبی است. [۱۵].
 - و نیز فرمودند:
 ۱۶. (مرز) میان بنده و کفر، ترک نماز است. [۱۶].
 - امام صادق عليه السلام فرمودند:
 ۱۷. نماز کلید هر خوبی است. [۱۷].
 - رسول خدا صلي الله عليه و اله فرمودند:
 ۱۸. کلید بهشت، نماز است. [۱۸].
 - و نیز فرمودند:
 ۱۹. نماز نور مومن است نماز نوري است از خداوند است. [۱۹].
 - و نیز فرمودند:
 ۲۰. دو رکعت نماز کسی که مسواک زده بهتر از هفتاد رکعت بدون مسواک است. [۲۰].
 - امام علي عليه السلام فرمودند:
 ۲۱. کسی که پیش از رسیدن وقت نماز آماده نشود آن را بزرگ نشمرده است. [۲۱].

امام صادق علیه السلام فرمودند:

[صفحه ۱۰۹]

۲۲. بالا آوردن دستهای در نماز زینت آن است. [۲۲]. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: هر چیز آغازی دارد و آغاز نماز تکبیر نخستین است پس بر آن مواظبت ورزید. امام باقر علیه السلام فرمودند:
۲۳. هر کسی رکوعش را کامل بگذارد، گرفتار وحشت قبر نمی شود. [۲۳]. پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:
۲۴. طول دادن قنوت در نماز سختی های مرگ را کاهش می دهد. [۲۴]. و نیز فرمودند:
۲۵. آن که قنوتش را در دنیا بیشتر طول دهد در توقفگاه روز قیامت آسوده تر است. [۲۵]. امام علی علیه السلام فرمودند:
۲۶. نماز پناهگاهی در برابر حمله های شیطان است. [۲۶]. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:
۲۷. نماز وسیله ی تقرب هر شخص با تقوا است. [۲۷]. و نیز فرمودند:
۲۸. کسی که نماز نمی گذارد دین ندارد. [۲۸]. و نیز فرمودند:

[صفحه ۱۱۰]

۳۰. هر کس نمازی واجب بگذارد نزد خداوند یک دعای پذیرفته دارد. [۲۹]. امام صادق علیه السلام فرمودند:
۳۱. هنگامی که تنها نماز می خوانی نماز را طول بده که عبادت است. [۳۰]. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:
۳۲. هر کسی دو رکعت نماز بگذارد و در آن به هیچ کار دنیایی نیاندیشد خداوند گناهایش را می آمرزد. [۳۱]. امام صادق علیه السلام فرمودند:
۳۳. دو رکعت نماز که شخص عطر زده می خواند برتر از هفتاد رکعت نماز شخص عطر نزده است. [۳۲]. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:
۳۴. هر کس نمازی را فراموش کند یا خواب ماند، کفاره اش آن است که هر گاه به یاد آورد بخواند. [۳۳]. امام علی علیه السلام فرمود:
۳۵. خداوند ایمان را جهت پاک کردن از شرک و نماز را برای دوری از کبر واجب کرد. [۳۴].
۳۶. آفت عبادت سستی است. [۳۵].

[صفحه ۱۱۱]

- و نیز فرمودند:
۳۷. کسی که نماز را سبک شمارد از من نیست و او در حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد. [۳۶]. امام رضا علیه السلام فرمودند:
۳۸. وضو، ادب در برابر خدا است، تا بنده هنگام نماز وقتی در برابر خدا می ایستد پاک باشد. [۳۷]. و نیز فرمودند:

۳۹. بر تو باد که همیشه نماز را در اول وقت بپا داری. [۳۸].
 رسول خدا صلی الله علیه و اله به علی علیه السلام فرمودند:
 ۴۰. بر تو باد نماز شب، بر تو باد نماز شب، بر تو باد نماز شب. [۳۹].
 آخرین مطلب کتاب تقدیم به تمامی عاشقان و دلسوزان اهل بیت علیهم السلام که برای مطالعه، کتاب نماز در کلام اولیای
 ربانی را انتخاب نمودند؛
 اصل ولایت است؛
 از آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمه اله پرسیدند:
 شما «اشهد ان علیاً ولی الله» را جزء اذان و اقامه می دانید؟
 ایشان فرمودند: ما نماز را جزء می دانیم یعنی اصل ولایت است. [۴۰]

- [۱] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲.
 [۲] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۴.
 [۳] سیمای نماز در قرآن و حدیث، ص ۴۵.
 [۴] وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۰.
 [۵] بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۹.
 [۶] سفینه البحار، باب صلاة.
 [۷] کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹.
 [۸] بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۷۷.
 [۹] کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹.
 [۱۰] نهج الفصاحه، جمله ۹۷۹.
 [۱۱] پرتوی از اسرار نماز، ص ۸۲.
 [۱۲] نهج البلاغه، نامه ۵۳.
 [۱۳] شرح نهج البلاغه، ۲۰ - ۳۱۳ - ۵۸۹.
 [۱۴] سیمای نماز، ص ۴۷.
 [۱۵] سیمای نماز، ص ۴۹.
 [۱۶] سیمای نماز در قرآن و حدیث، ص ۵۱.
 [۱۷] امالی مفید، ۱۲ - ۱۸۶.
 [۱۸] سیمای نماز در قرآن و حدیث، ص ۵۰.
 [۱۹] مستدرک الوسائل، ۳۰ - ۹۲ - ۳۰۹۸.
 [۲۰] سیمای نماز در قرآن و حدیث، ص ۲۲.
 [۲۱] شرح نهج البلاغه، ۲۰ - ۳۲۹ - ۷۶۸.
 [۲۲] تهذیب الاحکام، ۲ - ۷۶ - ۲۸۱.
 [۲۳] کافی، ۳ - ۳۲۱ - ۷.
 [۲۴] سیمای نماز در قرآن و حدیث، ص ۳۲.
 [۲۵] من لا یحضر الفقیه، ۱ - ۴۸۷ - ۱۴۰۳.
 [۲۶] غرر الحکم، ۲۲۱۲.
 [۲۷] سیمای نماز در قرآن و حدیث، ص ۵۰.
 [۲۸] سیمای نماز، ص ۵۱.
 [۲۹] امالی مفید، ۱ / ۱۱۸.
 [۳۰] دعائم الاسلام، ۱ / ۱۵۲.
 [۳۱] عوالی اللالی، ۱ / ۳۲۲ / ۵۹.
 [۳۲] ثواب الاعمال، ۶۲ / ۱.
 [۳۳] سیمای نماز در قرآن و حدیث، ص ۷۴.
 [۳۴] نهج البلاغه، حکمت ۳۵۲.
 [۳۵] بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۴.
 [۳۶] بحار، ج ۸۲، ص ۲۲۴.
 [۳۷] پرتوی از اسرار نماز، ص ۱۰۲.
 [۳۸] بحار، ج ۸۳، ص ۲۱.
 [۳۹] وافی، ج ۲، ص ۲۲.
 [۴۰] داستان های عارفانه، ص ۲۰.